رشد جوان ۶

www.roshdmag.ir
e-mail: javan@roshdmag.ir
www.roshdmag.ir/weblog/javan

ماهنامهٔ آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی
دوره‌سی‌ام/اسفندماه ۱۳۹۲/شمارهٔ پی‌درپی ۲۴۹

یادداشت

بذر ترس

چند روز قبل رفته بودم در پارک کمی هوا بخورم. هر چند هوای تهران خوردن ندارد! ولی دلم برای درخت‌ها تنگ شده بود. همین‌طور که راه می‌رفتم و از تماشای درخت‌های چنار قدیمی لذت می‌بردم، چشـمم افتاد به مرد معتاد و کارتن‌خوابی که روی یکی از نیمکت‌ها ولو شده بود. از ریش‌های ژولیده و سفید و صورت نحیف استخوانی‌اش حدس زدم که باید بیشـتر از شصت سال داشته باشـد. با دیدن وضع غم‌انگیز او از خودم پرسیدم، با آنکه این مرد در زندگی به اندازهٔ بزرگانی مثل ابوعلی‌سینا و خوارزمی و حافظ و مولوی و... فرصت در اختیار داشته، چرا کارش به اینجا کشیده و با گربه‌های ولگردِ پارک هم‌نشین شده است؟ بعد به یاد این سخن مولا علی(ع) افتادم که می‌فرماید: «بزرگ‌ترین گناه ترس است.»
این سؤال در ذهنم ایجاد شد که میان انواع گناهان بزرگی؛ همچون دزدی، دروغ، غیبت و... چرا ایشان ترس را بزرگ‌ترین گناه دانسته است؟ سعی کردم بیشتر فکر کنم:
چرا آدم‌ها دروغ می‌گویند؟ چون می‌ترسند راستش را بگویند.
چرا دزدی می‌کنند؟ چون از کار و تلاش می‌ترسند.
چرا این مردِ معتاد بدبخت شـده اسـت؟ چون از روبه‌رو شـدن با واقعیت‌های زندگی ترس داشته و احتمالاً برای غافل‌شدن از ترسِ خود به توهم پناه برده است. با کمی دقت می‌بینیم که گناهان بسـیاری مثل مارهای سـمّی از تخمِ ترس متولد می‌شوند و آدم‌ها را به ضحاک تبدیل می‌کنند.
دوسـتان جوان، بیایید در آستانهٔ سال نو به خودمان قول بدهیم که غیر از خدا از هیچ‌چیز و هیچ‌کس نترسیم؛ چون هیچ‌چیز چندِش‌آورتر از یک انسان ترسو نیست.

حبیب یوسف‌زاده

مدیر مسئول: محمد ناصری
سردبیر: محمدعلی قربانی
شورای کارشناسی: حسین امینی‌پویا، محمد کرام‌الدینی، ناصر نادری، حبیب یوسفزاده، علیرضا متولی
مدیر داخلی: مریم سعیدخواه
ویراستار: لیلا جلیلی
طراح گرافیک: ایمان اوجیان
شمارگان: ۱۲۵۰۰۰ نسخه
چاپ: شرکت افست(سهامی عام)
نشانی دفتر مجله: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۶۵۸۴
تلفن: ۸۸۸۴۹۰۹۶ **-نمابر:** ۸۸۳۰۱۴۷۸
شماره تلفن پیام گیر: ۸۸۳۰۱۴۸۲
نشانی مرکزبررسی آثار: تهران-صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۶۷ **تلفن:** ۶-۷۷۳۳۶۶۵۵



۲۰ اهل چالش

مهسا نیکان‌مهر سال سوم هنرستان است. انیمیشن را خیلی دوست دارد و شاید در آینده همین رشته را در دانشگاه ادامه دهد. او اهل شیراز است و «چاله و چالش» دومین فیلم اوست.

۲ فریبای طرّاح!
۴ من دوقطبی‌شده‌ام
۶ بازار تاریخی
۸ نوشته‌های قانونی
۱۰ مسافران آسمانی
۱۲ استادان مارکوپولو
۱۴ چرا کیف و کفش خارجی؟!
۱۶ هیچ‌کس نامه نمی‌نویسد
۲۲ فرصت‌هایی که هدر می‌روند
۲۴ شیرجه روی ماسه‌ها
۲۶ حجاب در گردونهٔ زمان
۲۸ آپولو هوا کردن
۳۰ خواستن
۳۲ نانو زیر ذره‌بین
۳۴ تقویم تاریخ
۳۶ زنگ‌تفریح
۴۰ طنز منظوم
۴۲ Apple Cake
۴۴ پیشنهاد
۴۶ خلاقیت
۴۸ راست قامتان



۱۸ تلویزیون های آینده

از زمان تولید اولین دستگاه تلویزیون سال‌های سال است که می گذرد، اما تلاش انسان برای ...

این درس‌ها را می‌خوانید:
طراحی دکوراسیون داخلی
رسم فنی ساختمان
نقشه‌کشی سازه
اتوکد
طراحی معماری
طراحی معماری داخلی
و ...

فریبای طرّاح!

تهمینه حدادی
عکس: شیدا هاشمی

«فریبا اعرابی» حسابی سرش شلوغ است و کم می‌خوابد. او در شهر اصفهان زندگی می‌کند. میز او در مدرسه یک میز نقشه‌کشی سفید است. خط‌کش تی دارد و گونیا و پرگار، دیگر فرق انواع مقواها را هم می‌داند و مداد و برگه و رنگ جزو زندگی او شده‌اند. برنامه اتوکد را هم سال دوم هنرستان فوت آب شده است و این روزها تند و تند مشغول طراحی ساختمان است. می‌گوید حتی چند وقت پیش دوست پدرش خواسته بود که او برای یک زمین ۲۵۰ متری نقشه بکشد. دیگر بلد است ساختمان‌ها را از هر بعدی رسم کند. می‌گوید آن‌قدر تمرین کرده‌ایم که دیگر بدون خط‌کش می‌توانیم خط‌های صاف بکشیم. او در هنرستان «شهدای شهرداری» درس می‌خواند.



اگر بگویند در یک خط رشته‌ات را تعریف کن چه می‌گویی؟

به طراحی جزئیات ساختمان و طراحی داخلی آن؛ یعنی تعیین اینکه آشپزخانه، اتاق و... کجا قرار می‌گیرند «طراحی معماری داخلی» می‌گویند.

اگر رشتهٔ تو نبود چه می‌شد؟

هیچ ساختمانی روی اصول و منطق ساخته نمی‌شد.

اگر بخواهی کسی را تشویق کنی که رشتهٔ تو را انتخاب کند، چه می‌گویی؟

می‌گویم آینده شغلی این رشته خیلی خوب است و کارهای این رشته یکنواخت و خسته‌کننده نیست و متنوع است.

متنوع؟

بله. الان ما با رنگ کار می‌کنیم و طراحی ماکت داریم. چیزهایی هم که طراحی می‌کنیم شبیه هم نیستند. نکته دیگر اینکه با دیپلم هم می‌شود جذب بازار کار شد.

اگر بگویند از فردا دیگر حق کار عملی نداری چه کار می‌کنی؟

می‌گویم من عاشق رشته‌ام هستم و شما در خیلی کارها به من احتیاج دارید. وقتی می‌روید توی هتل‌ها، برج‌ها و پاساژها یاد من باشید.

اگر این رشته را انتخاب نمی‌کردی در چه رشته‌ای درس می‌خواندی؟

ریاضی.

چرا؟

دوستش دارم.

اگر کسی رشتهٔ تو را مسخره کند چه کار می‌کنی؟

می‌گویم اول برو تحقیق کن و این رشته را بشناس، بعد می‌توانیم درباره‌اش صحبت کنیم.

سختی رشتهٔ تو چیست؟

اینکه چهار روز تمام نخوابی و بنشینی یک طرح بزنی، اما بعد طرحت رد شود. در این مواقع مجبوری از تعطیلات و تفریحات بزنی و البته مطمئن باشی که هرچه می‌سازی دوست نداری و دوباره و سه باره آن را بسازی و هی مقواها را خراب کنی و هی مواد اولیه‌ات تمام شوند و در طول روز مجبور شوی برای خریدنشان بروی.

البته معلم سخت‌گیر هم بی‌تأثیر نیست!

بله. می‌دانید رشته ما در مدارس فنی‌وحرفه‌ای به‌عنوان نقشه‌کشی تدریس می‌شود و خیلی از مدرسه‌ها هم ماکت‌سازی ندارند، اما معلم ما گفته است باید ماکت بسازیم تا خوب دستمان راه بیفتد و توی دانشگاه بتوانیم از بقیه جلو بزنیم. به‌خاطر همین هم ما سخت‌گیری‌های او را دوست داریم و تصمیم گرفته‌ایم سختی‌هایش را تحمل کنیم. اولش هم گفته بودند که برای طراح معمار خوب شدن باید صبور باشیم و فکر نکنیم شکست خورده‌ایم. توی کار حرفه‌ای هم اینطوری است. ممکن است طرح‌هایت چند بار رد شوند.

اگر کلاً درس و مدرسه نبود، دنیا بهتر نبود؟

نه، چون هرچه درس بیشتر بخوانی فهمیده‌تر و پخته‌تر می‌شوی.

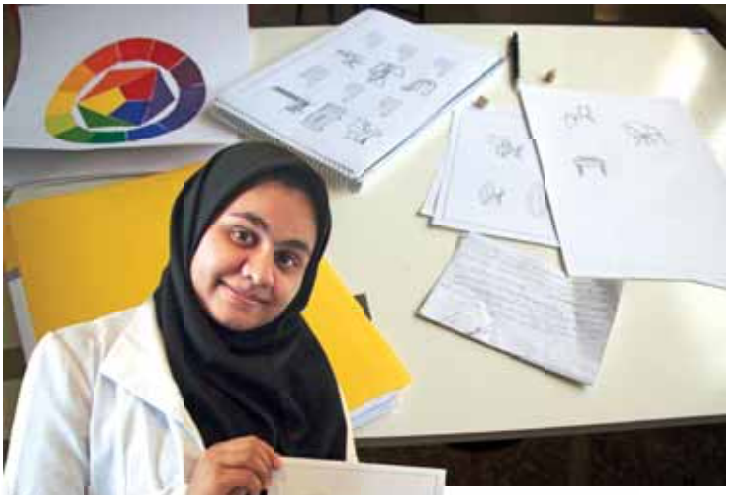
اگر بگویند یک آرزوی کاری‌ات را بگو چه می‌گویی؟

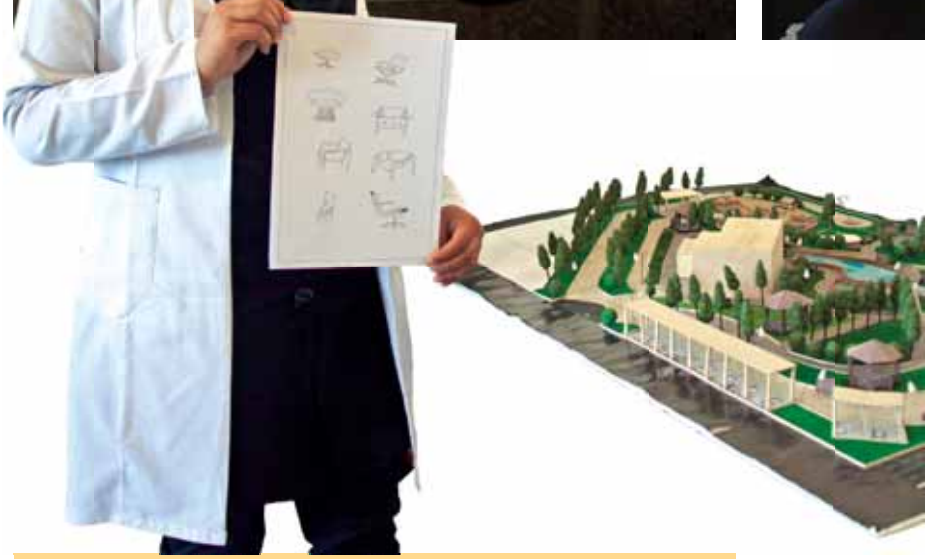
وقتی لیسانس گرفتم بتوانم شرکت بزنم و مهر نظام‌مهندسی بگیرم و به‌عنوان ناظر بروم سر ساختمان‌ها.

اولین چیزی را که یادت می‌آید بگو:

یک خانهٔ زشت: طراحش خوب نبوده
مبل زشت: باز هم طراحش خوب نبوده
نرم‌افزار: کامپیوتر
چهارشنبه‌سوری: آتش‌بازی
علوم: سیستم کل بدن انسان







رشتهٔ طراحی معماری داخلی چیست؟

طراح معماری داخلی کسی است که علاوه بر گذراندن دورهٔ نقشه‌کشی از عهدهٔ ترسیم نقشهٔ فضاهای داخلی ساختمان، ترسیم نقشه‌های اجرایی مبلمان، رسم رنگی پرسپکتیوهای احجام مختلف مشخص و احجام نامشخص، رسم رنگی پرسپکتیو سرویس‌ها، پله‌ها و لوازم داخلی ساختمان و ماکت‌سازی نیز بر بیاید.

در واقع طراحان معماری باید فضایی را طراحی کنند که وقتی به ساختمان تبدیل می‌شود ساکنان و استفاده‌کنندگان احساس آرامش و آسایش کنند. هر چیزی باید جای خودش باشد، دیوارها و اتاق‌ها در جای درستی قرار گرفته باشند. هم تنوع و زیبایی در فضا دیده شود و هم بتوان از گوشه گوشهٔ یک اتاق و ساختمان استفاده کرد.

کسانی که وارد این رشته می‌شوند می‌توانند تبدیل به مهندس شوند و رشتهٔ خود را تا دکترا ادامه بدهند.

حالا بیایید فکر کنیم که یک مهندس طراحی معماری چه چیزهایی را طراحی می‌کند؟

استخر، کتاب‌خانه، ویلا، موزه، مسجد، فرودگاه، دانشکده، خانهٔ سالمندان، ترمینال، بازارچه، بیمارستان و... .

می شود رشتهٔ معماری را تا دکترا ادامه داد. کسانی که این رشته را تا لیسانس ادامه می‌دهند بیشتر در حوزهٔ فنی مشغول به‌کار می‌شوند اما اگر بتوانید تا مقطع فوق لیسانس این رشته را ادامه بدهید می‌توانید شرکت خصوصی تأسیس کنید و تنها به طراحی و ساخت ماکت بپردازید و بقیه کار را به اجرا کارها بسپارید.

کسانی که دیپلم این رشته را می‌گیرند می‌توانند به‌عنوان کارمند در شرکت‌ها مشغول به‌کار شوند.

یکی از خوبی‌های این رشته دور بودن آن از مهندسی صرف است.

جز درس

۱ در این رشته امید حرف اول را می‌زند. ممکن است معلم‌های سخت‌گیری به تور شما بخورند که هر طرحی را می‌زنید رد کنند، اما راستش را بخواهید آنها می‌خواهند کار شما را در دانشگاه ساده کنند. وقتی که شما به دانشگاه بروید یک سر و گردن از بقیه بالاتر هستید؛ چون یک عالم طرح توی پرونده‌تان دارید. به‌خاطر همین هرچه معلم سخت‌گیرتر، موفقیت شما در آینده بیشتر. پس یادتان باشد که ممکن است روزها و روزها از تفریحتان بزنید و شب بیداری بکشید، اما ناگهان خانم یا آقای معلم به شما نمره ندهند و بگویند دوباره!

۲ طراحی معماری داخلی از آن دست رشته‌هاست که وسایل و ابزار برای طراحی و ماکت‌سازی ضروری است؛ برای مثال ممکن است ماکتی که ساخته‌اید خراب شود و شما در طول یک هفته هر روز برای خریدن مقوا به فروشگاه لوازم‌التحریر بروید. ریخت و پاش هم زیاد دارد. یکهو سرتان را بلند می‌کنید و می‌بینید اتاقتان پر از خرده کاغذ و مقواست و کلی اکلیل روی زمین ریخته. خدا کند در این مواقع اصلاً سروکله مامان‌ها پیدا نشود.

من دوقطبی شده‌ام

بررسی اختلال شیدایی و افسردگی

آناهیتا تاشک

مدتی بود که به قول رفقا، شنگول شده بود. بدون حساب و کتاب پول خرج می‌کرد، بچه‌ها را مهمان می‌کرد؛ حتی کسانی را که یک‌بار یا چندبار با آنها دعوا کرده بود! بی‌دلیل می‌خندید، جوک می‌گفت و خودش می‌خندید در حالی که در حالت عادی به زور می‌توانستیم خنده به لبش ببینیم. بعدها از برادرش شنیدم که روزی نیست در خانه یکی از شیشه‌ها را نشکند و چیزی پرت نکند! حتی اشتهایش هم زیاد شده بود. سردرگم شده بودم. می‌خواستم کمکش کنم. به‌همین دلیل به مشاور مراجعه کردم تا در مورد دوستم و نشانه‌هایش صحبت کنم. صحبت‌های مشاور را بخوانید:

«یک متخصص باید علائم را به‌صورت حضوری ارزیابی کند و بعد تشخیص دهد، اما با توجه به علائمی که می‌گویی، من تشخیص «اختلال دوقطبی» می‌گذارم. این اختلال، نوعی اختلال خُلقی است که فرد در یک نوسان هیجان مثبت و منفی قرار می‌گیرد؛ یعنی در مرحله‌ای که به اسم شیدایی نامیده می‌شود دارای انرژی زیاد است که باعث بروز علائمی مانند پرخاشگری می‌شود و در دوره افسردگی کاهش انرژی و به قول خودمان خالی بودن از انرژی را تجربه می‌کند. به‌دلیل آنکه فرد بین این دو حالت و دو قطب در حال نوسان است به آن اختلال دوقطبی می‌گویند. البته بین علائم مربوط به هر کدام از حالت‌ها و اتفاقات زندگی فرد هماهنگی وجود ندارد، مثلاً اتفاق ناراحت‌کننده‌ای نیفتاده است، اما فرد غمگین و خالی از انرژی است. این بیماری اگر در سنین پایین تشخیص داده شود و در خانواده هم بیماری روانی وجود نداشته باشد احتمال بهبود بیشتر است.»

این سؤال را هم از مشاور پرسیدم که آیا ما می‌توانیم در درمان یا بهبود نقش داشته باشیم، از دست خانواده و دوستان کمکی برمی‌آید؟ مشاور گفت: «چون بیمار خودش هم در جریان بیماری از نظر شغلی، جایگاه اجتماعی، ارتباطات فردی و خانوادگی آسیب می‌بیند و حتی گاهی درمانده می‌شود برای درمان همکاری لازم دارد. نقش اعضای خانواده و دوستان بیشتر می‌تواند حمایتی و همکاری باشد.

این را هم بگویم که تفاوت دوقطبی بودن در نوجوانی و بزرگسالی این است که بیمار نوجوان بیشتر حالت زودرنجی و تحریک‌پذیری دارد و تغییر حالت از شیدایی به افسردگی در گروه نوجوان سریع‌تر است؛ یعنی ممکن است در یک روز هر دو علامت را داشته باشد.»

کنجکاو شده بودم، به‌همین خاطر به دنبال بررسی علائم این اختلال رفتم و این اطلاعات را به‌دست آوردم.

سن شروع: زمان ابتلا می‌تواند از ابتدای دوران نوجوانی شروع شود، اما امکان بروز در سنین دیگر هم است. برخی متخصصان می‌گویند تشخیص این اختلال بیشتر در دوران بزرگسالی است.

علل: علت ابتلا هم مثل بیشتر اختلالات روان‌شناختی، ناشناخته و در حد نظریه است.

علائم دورهٔ شیدایی

در این دوره بیمار در اوج انرژی است و شاد و خوشحال است. علائم دیگری هم دارد مثل:

- بی‌قراری و افزایش فعالیت
- نشاط و احساس خودبزرگ‌بینی
- صحبت کردن بی‌وقفه، پریدن از موضوعی به موضوع دیگر با سرعت زیاد
- عدم توانایی در تمرکز، حواس‌پرتی
- کاهش نیاز به خواب
- اعتقادات غیرواقعی در مورد توانمندی‌ها و قدرت فرد
- قضاوت ضعیف
- ولخرجی
- رفتاری متفاوت از حالت معمول که مدتی طولانی ادامه داشته باشد
- سوءمصرف داروها و مواد مخدر
- رفتارهای پرخاشگرانه

علائم دورهٔ افسردگی

این دوره می‌تواند قبل از دورهٔ شیدایی باشد یا بعد از آن اتفاق بیفتد. در این دوره انرژی کم می‌شود و علائم افسردگی را در بیمار می‌توان دید که عبارت‌اند از:

- انرژی کم، احساس خستگی و کندشدن رفتارها
- احساس ناامیدی، ناخشنودی یا بدبینی
- احساس گناه، بی‌ارزشی و درماندگی
- از دست‌دادن علاقه و لذت نبردن از فعالیت‌هایی که قبلاً برای فرد لذت‌بخش بوده‌اند
- اختلال در تمرکز، حافظه و تصمیم‌گیری
- افکار مرگ و ...



● غمگین و اشک‌آلود بودن

روش‌های درمان: درمان دارویی راه‌حل اول است و بعد از آن روش‌های خاص روان درمانی را باید ادامه داد. البته نظریه‌هایی هم در مورد درمان‌های جدید مثل ویتامین‌درمانی را نیز خواندم که به تازگی مطرح شده است و نتایج آن قطعی نیست.

ملاحظات: این افراد ممکن است در هر مرحله آسیب‌هایی را به خود وارد کنند از جمله اینکه در مرحله شیدایی کارهای خطرناک انجام دهند؛ مثلاً از بلندی خود را پرت کنند با این فکر که قدرت پرواز دارند! بنابراین باید به محض دیدن علائمی شبیه این موارد، به یک متخصص ارجاع داده شوند. حتی شاید لازم باشد مدتی در بیمارستان بستری شوند تا بیماری آنها کنترل شود. البته باعث امیدواری است که این بیماری درمان‌شدنی است و فقط با پیگیری درمان، فرد می‌تواند به زندگی عادی باز گردد و حتی موفقیت‌هایی کسب کند. شاید برایتان جالب باشد اگر بدانید افراد مشهوری مثل: ونسان ونگوک (نقاش)، بتهوون (موسیقی‌دان و نوازنده)، ارنست همینگوی (نویسنده)، ناپلئون بناپارت و چرچیل (سیاستمدار) همه این اختلال را داشته‌اند.

اولین قدمی که برای دوستم برداشتم این بود که به خانواده‌اش پیشنهاد دادم تا با یک متخصص صحبت کنند هرچند از کشفیاتم چیزی به آنها نگفتم تا نگران نشوند.

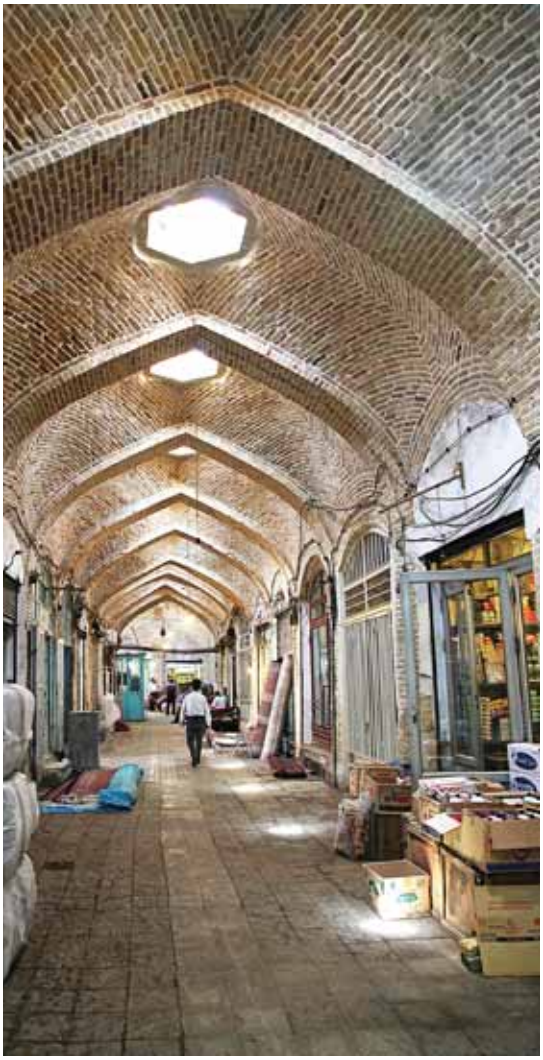


بازار تاریخی

در حین خرید، اثر باستانی ببینید!

آلما توکل

در فرهنگ فارسی معین در تعریف کلمه بازار آمده است: «محل خرید و فروش کالا. مجازاً ارزش و اعتبار.؛ بازار شام کنایه از: شلوغی و ازدحام.» اما از لحاظ تاریخی بازار به محلی گفته می‌شود که خریداران و فروشندگان برای مبادله کالا یا خدمات به آن مراجعه می‌کنند.
برای اینکه بدانیم اولین بازارها کی و کجا تشکیل شده‌اند باید مطالعات تاریخی زیادی بکنیم، اما از همان ابتدا بازارها در محل رفت‌وآمد مردم دایر می‌شدند؛ به‌طور مثال کنار دروازه‌ها یا کنار میدان اصلی شهر.
در ایران بازارها بیشتر به شکل دالانی مستقیم بوده‌اند و در دو طرف آنها حجره‌هایی برای فروش اجناس وجود داشته است. پس از اینکه تعداد فروشنده‌ها و اجناس زیاد شدند فرعی‌ها در دل بازار شکل گرفتند و بازارها گسترده شدند. بعد از گسترش آنها راسته‌های بازار شکل گرفتند و در هر قسمت جنس خاصی فروخته شد. این شیوه هنوز هم در اکثر بازارهای سنتی شهرهای ایران وجود دارد. بازار چه در قدیم و چه حال بخش مهمی از اقتصاد کشور ما بوده و هست. همواره در بحران‌های سیاسی بازاری‌ها نقش مهمی داشته‌اند و با تعطیل کردن بازار و خاموش شدن اقتصاد توانسته‌اند جریان‌های سیاسی را تغییر بدهند.



طول بازار زنجان یک کیلومتر است و گفته می‌شود طولانی‌ترین بازار ایران است. این بازار سال ۱۲۰۵ ق در زمان آقامحمدخان ساخته شده است و معماری قاجار در آن کاملاً مشهود است. بازار طاق و قوس‌های هلالی دارد. در قوس‌ها هم می‌شود کاشی‌کاری‌های قاجاری را دید. این بازار هشت راستهٔ اصلی دارد و بخشی از حجره‌ها در دل سراها جای گرفته‌اند. سرا همان کاروان‌سراهای متصل به بازار است که از یک زمان به‌بعد دیگر پذیرای مسافران نبودند و تبدیل به تجارت‌خانه شدند. امروزه در حجره‌های درون سراها، مثل راسته‌ها جنس‌های مشابه فروخته می‌شود.



بازار تهران در حدود سال ۹۴۸ ق ساخته شده است. یکی از بناهای مهم بازار مسجد جامع است که هنوز تصمیم‌گیری‌های مهم بازار در آن صورت می‌گیرد. یکی از بازارهای مهمی هم که خیلی‌ها برای دیدنش می‌روند بازار امیر است که همراه با مدرسه و مسجدی با اموال امیرکبیر ساخته شده است. معماری بازار تهران طی سال‌ها بسیار تغییر کرده است، اما هنوز سردر آن از سمت سبزه‌میدان و سراهای آن دیدنی هستند. بازار تهران در نزدیکی کاخ گلستان، محلهٔ شاپور، میدان امام و چند موزه واقع شده و با طاق و گنبد مسقف شده است.









بازار کرمان از چند بازار متصل به‌هم تشکیل شده و شصت درصد بناهای تاریخی کرمان را در دل خود جای داده است. حمام گنجعلی‌خان در میانهٔ بازار است و برای دیدن مجموعهٔ وکیل هم باید از دل بازار گذشت. این بازار جایی هم برای استقرار دست‌فروشان زیره دارد. یکی از راسته‌های مهم بازار کرمان راستهٔ مسگرهاست. نمی‌توان زمان دقیق ساخت این بازار را تعیین کرد؛ چون هر بخش آن در زمانی ساخته شده است. یکی از زیبایی‌های بازار کرمان گنبدهای پیوستهٔ آن است که سوژهٔ خیلی از عکاسان قرار می‌گیرد. بازارهای متعدد کرمان توسط چهارسوق‌هایی به‌هم متصل شده‌اند.

دوران اوج بازار کاشان در زمان شاه‌عباس اول بوده است. معماری خاص این بازار و ساماندهی خرید و فروش‌ها باعث شده بود تا جهانگردان زیادی دربارهٔ این بازار بنویسند. در سال ۱۱۹۲ ق زلزله‌ای بخشی از شهر و بازار را ویران کرد. بازار جدید بر روی ویرانه‌های بازار قبلی ساخته شد و بخش‌های باقی‌مانده ترمیم شد. در سردر بعضی حجره‌ها کاشی‌های منقوش با موضوعات روایی بزم و رزم و شکار به‌چشم می‌خورد. اگر سری به بازار کاشان زدید حتماً سقف و نورگیرهای این بازار را نگاه کنید. این بازار علاوه بر راستهٔ مسگرها، زرگرها، کفاش‌ها، بزازها و... چند مسجد، بقعه و آب‌انبار دارد که دیدنشان خالی از لطف نیست.

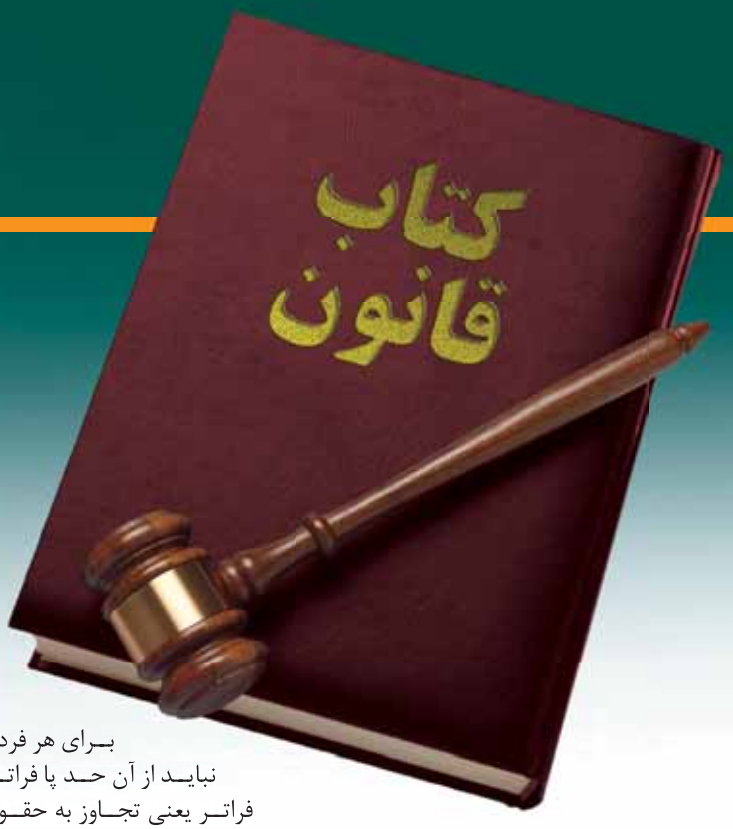


نوشته‌های قانونی

پریسا برازنده

روابط درست انسانی می‌تواند دنیا را جای قشنگ‌تری برای زندگی کند. ضرب‌المثلی می‌گوید مهربانی بزرگ‌تر از قانون است و مثل دیگری هم می‌گوید هر جامعه حقوق و قوانین لازم دارد.

اما، قانون چیست؟ قانون در اصطلاح حقوق اساسی، قضایایی است که شیوه رفتار انسان را در زندگی اجتماعی تعیین می کند، به این معنی که انسانها در زندگی فردی و اجتماعی باید چنین کنند و چنین نکنند... بنابراین، قانون ضوابط و اصول کلّی معیّنی است که از طرف یک منبع دارای قدرت و اعتبار اجتماعی، مقرر می شود و در آن برای همه کسانی که در قلمرو آن منبع قدرت زندگی می کنند، تکالیف، حقوق ومسؤولیت‌هایی معیّن گردد که همگان، قوی یا ضعیف، به رعایت آن ملزم باشند و به عواقب تخلّف از آن گردن نهند. این قانون گاه شامل مسائل فیزیکی است؛ مثل قوانین نیوتن که بر انسان تأثیر دارد گاه قوانین اخلاقی است؛ مثل قوانین راهنمایی و رانندگی یا قوانین آپارتمان‌نشینی.



کلمهٔ قانون معرب کلمه یونانی canon است که به فرانسه loi و به انگلیسی law ترجمه شده است.

در فارسی «دات» به معنی قانون است و داد و دادگر از این کلمه گرفته شده است؛ بنابراین صفت «دادگر» انوشیروان؛ پادشاه ساسانی به معنی قانون‌گذار است نه عادل.

حضرت علی(ع) می‌فرمایند: «زکات توانایی، دادگستری است.»

کاربرد کلمهٔ قانون در حقوق ایران، به حدود سال‌های ۱۳۶۹ ق بازمی‌گردد.

معادل و مترادف این واژه در زبان فارسی ناموس است که اصل آن از کلمهٔ «نموسای» سریانی است که امروزه در زبان محاوره به معنی غیر از قانون به‌کار برده می‌شود.

آیین نیز لغتی فارسی است و به معنی قانون، مراسم و عرف است و آیین‌نامه کتابی است حاوی آیین‌ها و قوانین.

واژه‌ای که امروزه شاید بیشتر زمان امتحان رانندگی شنیده باشید: امتحان آیین‌نامه!

پس قانون با تعیین حق و تکلیف، تنظیم‌کننده رفتار انسان در جامعه در ارتباط با خود و دیگران است.

حق چیست؟ حق؛ آزادی مشخص شده برای هر فرد است که نباید از آن حد پا فراتر بگذارد و فراتر یعنی تجاوز به حقوق دیگران؛ مانند گذشتن از مرز کشورها یا بالارفتن از دیوار خانهٔ همسایه؛ حتی بالا بردن صدای موسیقی در خانه و ماشین! حق حیات، حق مالکیت، حق آزادی شغل و حق ازدواج و... جزئی از حقوق بشر هستند.

تکلیف چیست؟ حق، همیشه همراه مسئولیت و تکلیف است. همان‌طور که شناخت حقوق و آزادی‌ها ضروری است، شناختن تکلیف؛ یعنی وظایف هم مهم است. حقوق و تکالیف، مانند تار و پود جامعه هستند که روابط درست اجتماعی مردم را شکل می‌دهند. به‌طوری که:

- اگر حق داشته باشی، ولی تکلیفی در برابر رعایت حق دیگران نداشته باشی، این بی‌تعادلی تو را فردی خودخواه و مستبد می‌کند.

مثال: به پارک می‌روی و از حق استفاده از آن بهره‌مند می‌شوی، اما برای خودت تکلیف نمی‌دانی که آنجا را پاکیزه نگه‌داری و زباله‌هایت را حتماً در سطل زباله بریزی.

- اگر حق نداشته باشی، ولی تکلیف داشته باشی، این بی‌تعادلی تو را به سوی بردگی می‌برد.

مثال: به تکلیف اطاعت و احترام به بزرگ‌ترها عمل کنی، ولی هیچ‌گاه حق اظهارنظر و پرسش نداشته باشی.

همیشه تعادل لازم است.

تعادل؛ هنگامی است که هم حق داشته باشی؛ یعنی آزادی‌هایت را بشناسی، هم تکلیف خود را بدانی و آن را رعایت کنی که این همان عدالت است.

حضرت علی(ع) می‌فرمایند: «ثواب دو چیز عظیم است، یک گذشت از گناه و دیگری عدل و عدالت.»

و در جای دیگر می‌فرمایند: «بالاترین بخشش‌ها، رسانیدن حق به صاحبش است.»

حقوق چیست؟ جمع کلمهٔ حق است و به مجموعه حق‌های تعریف‌شده برای افراد در موارد گوناگون در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، «حقوق» می‌گویند. علم حقوق هم بررسی قوانین و سیر تحول آنهاست.

انواع حقوق

حقوق خصوصی/ حقوق مدنی/ حقوق اداری/ حقوق اساسی/ حقوق تجارت/ حقوق بشر/ حقوق بهداشت محیط/ حقوق بیمه/ حقوق بین‌الملل/ حقوق مالکیت فکری/ حقوق ثبت/ حقوق پزشکی/ حقوق فناوری/ حقوق موضوعه/ حقوق جزا/ حقوق ترابری/ حقوق خانواده/ حقوق عمومی/ حقوق کار و امور اجتماعی/ حقوق و رایانه/ حقوق مالی/ حقوق جانوران/ حقوق کودک

نکته: برابر پیمان‌نامه حقوق کودک مصوب ۲۹ آبان ۱۳۶۸ (۲۰ نوامبر ۱۹۸۹)، منظور از کودک، هر انسان کمتر از هجده سال است. از نظر تاریخی و فلسفی، پیمان‌نامه حقوق کودک ادامهٔ حقوق بشر و بخشی از آن است.

فکر می‌کنم کم‌کم «پرسش چرا قانون» در ذهنتان جای خودش را پیدا می‌کند.

پیشنهاد: با قوانین کلاس آشنا شوید و برخی قوانین را تعیین و اجرا کنید. آنها را به دیوار کلاس نصب کنید. قوانین مثبت‌اندیشی را هم فراموش نکنید!

مسافران آسمانی

محمد کرام‌الدینی

مهاجرت پرندگان یکی از پدیده‌های شگفت هستی است. برخی پرندگان هرگز مهاجرت نمی‌کنند، اما بسیاری از آنها مهاجرند. دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و تالاب‌های سرزمین ما نیز همه ساله پذیرای تعداد زیادی پرندهٔ مهاجرند. حدود هفتاد درصد از پرندگانی که تاکنون در ایران شناسایی شده‌اند، مهاجرند که یا زمستان‌ها را در ایران می‌گذرانند یا تابستان‌ها را.

دل بریدن

مهاجرت در اصل مستلزم دل بریدن از دوستان، آشنایان و آشیانه است. آیا تاکنون فکر کرده‌اید که پرندگان مهاجر چگونه ناگهان از آشیانه و زیستگاه خود دل می‌برند و مهاجرت را ترجیح می‌دهند؟

ایرانی یا هندی یا آفریقایی؟

سال ۱۳۵۰ معلوم شد فلامینگوهایی که در ایران حلقه‌گذاری شده بودند در منطقهٔ وسیعی از لیبی تا خلیج بنگال در شرق هند پراکنده شده‌اند.

حاجی حاجی مکه

لک‌لک سفید را حاجی لک‌لک هم می‌نامند. لک‌لک‌ها برای زادآوری به نزدیکی آفریقا یا عربستان مهاجرت می‌کنند. عقیده بر این است که چون آشیانه‌های آنها در مکهٔ مکرمه هم مشاهده می‌شود، کسانی که به زیارت خانهٔ خدا به آنجا سفر می‌کرده‌اند، با مشاهدهٔ آشیانه‌های لک‌لک‌ها در مکه آنها را حاجی می‌نامیدند.

تقویم یا پرنده؟

در اروپا برخی پرندگان به «پرندگان تقویم» معروف‌اند؛ برای مثال آبچلیک‌های دودی که زمستان را در آفریقا می‌گذرانند، هر سال درست روز چهارده اردیبهشت، وارد هلسینکی پایتخت فنلاند می‌شوند.

مسافران زمستانی

بیشتر پرندگان مهاجر زمستان گذر ایران در سیبری زادآوری می‌کنند، از مسیر سیبری ـ خزر به کشورمان وارد می‌شوند و بیشتر آنها زمستان را در تالاب‌های ایران می‌گذرانند، اما بعضی از ایران راهی عراق یا مناطق دیگر خاورمیانه می‌شوند.

مسافر تنها

معروف‌ترین پرندهٔ مهاجر ایران درنای سیبری است که زمستان‌ها به تنهایی به تالاب‌های فریدونکنار می‌آید و زمستان را تنهایی در آنجا می‌گذراند.

ردیابی

برای ردیابی مهاجرت پرندگان از روش‌های مشاهدهٔ مستقیم با چشم، شکار، ضبط صدا، رادار، تله‌متری (نصب فرستنده‌های کوچک روی بدن پرنده‌ها) یا حلقه‌گذاری (ثبت اطلاعات پرنده روی حلقه‌ای که دور پا بسته می‌شود) استفاده می‌کنند.

مسافرت طولانی

غاز پیشانی‌سفید کوچک بیش از پنج هزار کیلومتر را می‌پیماید تا از شمال سیبری خود را به تالاب‌های ایران برساند.



از بلندی تا دره

بعضی از سهره‌های پیشانی‌سرخ که در بلندی‌های البرز زادآوری می‌کنند، در پاییز به دره‌ها و زمین‌های کم‌ارتفاع کنار دریای خزر مهاجرت می‌کنند.

سفر از گرسنگی

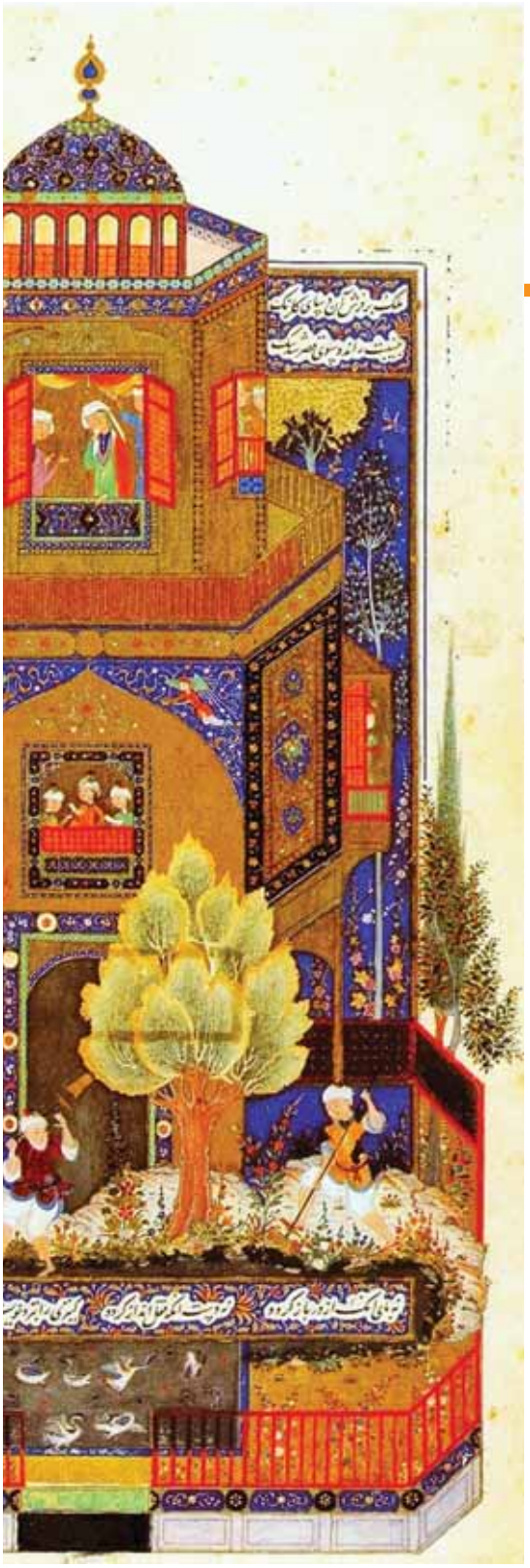
بال‌لاکی و سهرهٔ نوک‌قیچی معمولاً مهاجرت نمی‌کنند، ولی اگر غذا در زیستگاه‌شان کم شود، ناچار به مناطق دیگر مهاجرت می‌کنند.

مسافران ناشی

بعضی از حواصیل‌های نابالغ بلافاصله پس از فصل زادآوری و پیش از فرارسیدن فصل مهاجرت واقعی به مناطق دیگر مهاجرت می‌کنند و پراکنده می‌شوند.

مسافران هواشناس

سسک‌ها پیش از تغییر وضعیت جوّی و غذایی به‌سوی جنوب مهاجرت می‌کنند، در حالی‌که اردک‌ها فقط وقتی مهاجرت می‌کنند که برف و یخبندان آنها را به این کار وادار کند.



استادان مارکوپولو

مسلمانان و علم جغرافیا

ناصر نادری

کریستف کلمب، کاشف آمریکا، از «ابن رشد»، دانشمند مسلمان، یاد می‌کند و او را از کسانی می‌داند که با نظریهٔ وجود دنیای جدید، او را در کشف آمریکا یاری کرده است.
به‌راستی مسلمانان، چگونه با علم جغرافیا آشنا شدند و تا چه حد در این حوزه، پیشرفت کردند؟ در این شماره، به دستاوردهای مسلمانان در علم جغرافیا می‌پردازیم.

خوارزمی و شکل زمین

اثر «محمدبن موسی خوارزمی» اساس علم جغرافیایی مسلمانان را پایه‌ریزی کرد. وی کتاب «شکل زمین» (صُوَرَةُ الأَرض) را در سدهٔ سوم هجری نوشت.

این کتاب، فهرستی از عرض و طول جغرافیایی نقاطی بود که اقلیم‌های یونان باستان را نیز شامل می‌شد. این اقلیم‌ها، عبارت از هفت باریکه در عرض جغرافیایی بود که گمان می‌رفت طول بلندترین روز نقاط واقع در آنها با هم برابر است.

خوارزمی و دستیارانش، نقشهٔ آسمان و زمین را ترسیم کردند.

آنان همچنین فعالیت موفقیت‌آمیزی در اندازه‌گیری پیرامون زمین ـ که معتقد بودند کروی شکل است ـ آغاز کردند.

نتیجهٔ محاسبه این گروه آن بود که طول درجه نصف‌النّهار را ۹۱ کیلومتر اندازه‌گیری کردند.

این محاسبه بسیار مهم بود و بعدها با وسایل دقیق، طول درجه مزبور اندازه‌گیری شد و بیش از ۸۷۶ متر اختلاف پیدا نشد.

هنگامی این محاسبات در شرق انجام می‌شد که اروپاییان هنوز زمین را مسطح می‌پنداشتند!

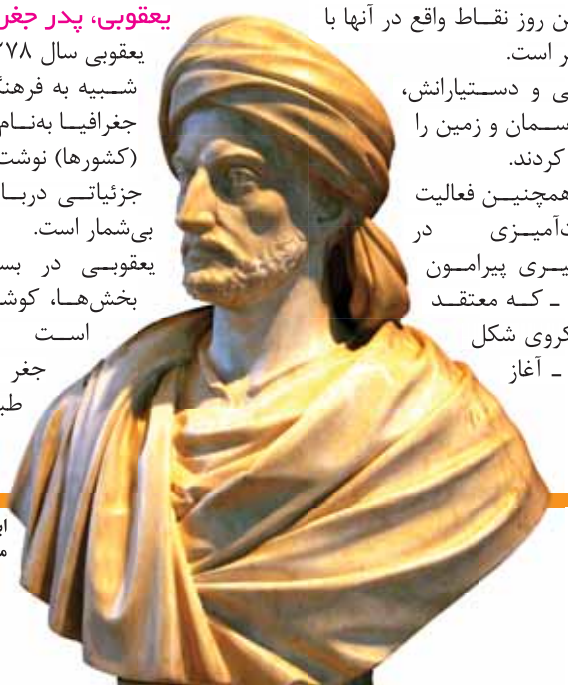
یعقوبی، پدر جغرافیا

یعقوبی سال ۲۷۸ ق چیزی شبیه به فرهنگ امروزی جغرافیا به‌نام «البلدان» (کشورها) نوشت که شامل جزئیاتی دربارهٔ اماکن بی‌شمار است.

یعقوبی در بسیاری از بخش‌ها، کوشش کرده است واقعیات جغرافیایی را با شرح جغرافیای انسانی بیان کند.

یعقوبی را گاهی پدر جغرافیای اسلامی دانسته‌اند؛ زیرا اثر او نخستین اثری بود که غربی‌ها به آن توجه کردند.

وی در مقدمه کتاب البلدان آورده است: «از آغاز بلوغ تا این زمان که ذهن و عقلم بیدارتر و نافذتر شده، عشق به آن



ابن‌بطوطه،
مارکوپولوی جهان اسلام



تصویری از سفر ابن‌بطوطه به تبریز

داشته‌ام که از تاریخ سرزمین‌ها و وضع جغرافیایی آنها آگاه شوم؛ چرا که از کودکی، سفرهای درازی داشته‌ام.»

مسعودی و اوج جغرافیا

مسعودی بیش از هر چیز، عشق سیاحت داشت و در جوانی به اقصی نقاط جهان مسافرت کرد.

کتاب «گلستان‌های طلا و معدن‌های جواهر» (مُروجُ الذَّهَب و مَعادنُ الْجَواهر) گزارش تجربیات و مشاهدات وی است که می‌توان آن را دایرةالمعارف تاریخی جغرافیایی دانست.

مسعودی معتقد بود معرفت حقیقی را تنها با تجربه و مشاهدهٔ شخصی می‌توان به‌دست آورد. او نویسنده‌ای پرکار بود. در واقع، جغرافیا در بین مسلمانان با مسعودی به اوج خود رسیده است.

اِصْطَخری و زَرْقالی

جغرافی‌دان مسلمان دیگری که جزئیات کمی از شرح حال او در دست است، اصطخری است که در نیمهٔ اول قرن چهارم می‌زیسته است. کتاب «راه‌ها و کشورها» (اَلْمسالک و الْمَمالک)، اثر اوست و شامل جغرافیای کشورهای اسلامی به انضمام چند نقشهٔ رنگین از سرزمین‌های گوناگون آن است.

در همین سده، زَرْقالی، دانشمند جغرافی‌دان، طول دریای مدیترانه را ۴۲ درجه اعلام کرد که با واقعیت، تقریباً هماهنگ است.

اِدْریسی و نقشه‌های جغرافیایی

ادریسی در شانزده سالگی، به آسیای صغیر، مراکش، اسپانیا و جنوب فرانسه و حتی انگلستان سفر کرد. پس از سفرهای دور و دراز به سراسر دنیای اسلام و اروپا، در دربار پالرمو (سیسیل) سکونت گزید.

ادریسی در جایی زندگی می‌کرد که برای تکمیل و پرداخت کار او سودمند بود؛ زیرا سیسیل در مرکز نواحی مدیترانه قرار داشت که وعده‌گاه کشتی‌ها و دریانوردان دریاهای شمال، اقیانوس اطلس و مدیترانه بود.

ترسیم نقشه‌ای از رود نیل یکی از آثار مهم اوست.

بیرونی و جغرافیای ناحیه‌ای

بیرونی در هند، زبان سانسکریت را فرا گرفت. کتاب «اَلتَّحقیق ماللِهِنْد» که به «هند بیرونی» معروف است، نتیجهٔ مطالعات و مسافرت‌های اوست که در سال ۴۲۱ ق منتشر شد.

وی در «اَلتَّفهیم» و «جَماهیر فی المعرفَةِ الجَواهر»، دربارهٔ منابع و خصوصیات بسیاری از گوهرها و سنگ‌های قیمتی بحث کرده است.

کتاب تحقیق ماللهند، به سبب دانش فراوان و نگاه ژرف بیرونی به واقعیات و توانایی او در استفاده از آنها، یکی از تألیف‌های ارزشمند در زمینهٔ جغرافیای ناحیه‌ای به‌شمار می‌رود.

بیرونی در حوزهٔ جغرافیای ریاضی و نجومی، دربارهٔ نقاط متقاطر زمین، کروی بودن و تعریف حرکات آن، بحث می‌کند و طول و عرض جغرافیایی اماکن بی‌شماری را به‌دست می‌دهد.

یاقوت حموی و فرهنگ کشورها

از جغرافی‌دانان بزرگ مسلمان، یاقوت حموی بود که در آغاز سدهٔ سیزدهم، توانست دایرةالمعارف بزرگ جغرافیایی در شش جلد گرد آورد. نام این اثر را «فرهنگ کشورها» (مُعْجَمُ البُلدان) گذاشت.

ابن‌بطوطه، مارکوپولوی جهان اسلام

وی پیاده، سواره و از طریق دریا، هزاران کیلومتر سفر کرد و بیش از چهل کشور را زیر پا گذاشت.

به‌همین دلیل، وی را مارکوپولوی جهان اسلام نامیده‌اند.

نوشته‌های ابن‌بطوطه بسیاری از مسائل پنهان زندگی در سده‌های میانه را روشن می‌کند؛ برای مثال، اینکه طلا از جنوب صحرای آفریقا به مصر و سوریه می‌رسید و از آنجا، حجاج به مکه می‌بردند.

وی دربارهٔ پشم و مو، طلا و محصولات صیفی، عاج و ابریشم، شیوخ و سلاطین و... تحقیق کرده است.

به‌راستی ما می‌توانیم جهان قرن هشتم هجری را در آیینهٔ نوشته‌های ابن‌بطوطه، به چشم خود مشاهده کنیم.

منابع
۱. خدمات مسلمانان به علم جغرافیا، احمد نفیس، ترجمهٔ حسن لاهوتی، آستان قدس رضوی.
۲. متفکران اسلام، باورن کارا، ترجمه احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳. تاریخ علم کمبریج، کالین رنان، ترجمهٔ حسن افشار، نشر سعدی.
۴. منابع فرهنگ اسلامی، ترجمهٔ دکتر خلیلیان، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵. میراث مسلمانان در جهان، سلیم‌الحسنی، نشر طلایی.

چرا کیف و کفش خارجی؟!

حسین نامی‌ساعی



بیشتر از ۷۵ میلیون نفر؛ به‌عبارتی ۷۵ میلیون جفت پا یا ۷۵ میلیون جفت کفش؛ بدون محاسبهٔ دمپایی، کفش‌های ورزشی، کفش‌های کار و غیره در کشور داریم!
دست کم هر جفت کفش بیست هزار تومان است؛ (کفش‌های بالای دویست هزار تومانی و کفش‌های زیر ده هزار تومانی هم هست!) ۷۵ میلیون، بیست هزار تومان می‌شود:

۷۵/۰۰۰/۰۰۰×۲۰/۰۰۰=۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰

یک تریلیون و پانصد میلیارد تومان.
و با حساب هر شش ماه یک جفت کفش برای هر نفر در هر سال؛ یعنی دوازده ماه برابر است با:

۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰×۲=۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰

سه تریلیون تومان!
خب؛ اگر تمام این سه تریلیون تومان از چرخهٔ تولید داخلی باشد و سودش هم در جیب صنعت داخل کشور برود به اصطلاح «از این جیب خودمان درمی‌آوریم و در جیب دیگرمان می‌گذاریم!»
ولی این‌گونه نیست؛ در پنج ماه اول سال ۹۲، سه میلیون و ۸۶۱ هزار و ۹۵۲ دلار کفش وارد کشور شده است.
یعنی در هر ماه:

۳/۸۶۱/۹۵۲÷۵≈۷۷۲/۳۹۰

تقریباً ۷۷۲ هزار و ۳۹۰ دلار در هر ماه یا در دوازده ماه اگر به همین شکل پیش رود (البته در ماه اسفند به‌دلیل نزدیک شدن به عید نوروز شاید به اندازهٔ یازده ماه گذشته سال کفش وارد کشور شود.) می‌شود:

۷۷۲/۳۹۰×۱۲=۹/۲۶۸/۶۸۰

۹ میلیون و ۲۶۸ هزار و ۶۸۰ دلار
با احتساب هر دلار حداقل ۳۰۰۰ تومان در سال ۹۲:

۹۲۶۸۶۸۰×۳۰۰۰=۲۷/۸۰۶/۰۴۰/۰۰۰

۲۷ میلیارد و ۸۰۶ میلیون و ۴۰ هزار تومان کفش وارد کشور خواهد شد که اغلب این کفش‌ها، کفش‌های بی‌کیفیت چینی و اماراتی و... هستند.
از کفش که بگذریم می‌رسیم به کیف. در کشور ما سالانه دانش‌آموزان، معلمان، کارمندان، دانشجویان و دیگر اقشار جامعه حدود پنجاه میلیون کیف مصرف می‌کنند. به‌صورت میانگین قیمت هر کیف صد هزار تومان است؛
پنجاه میلیون، صد هزار تومان می‌شود:

۵۰/۰۰۰/۰۰۰×۱۰۰/۰۰۰=۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰

پنج تریلیون تومان!







و باز اگر این پنج تریلیون تومان در جیب خودمان برود چه می‌شود. ولی این‌گونه نیست؛ در پنج ماه اول سال ۱۳۹۲، ۸ میلیون و ۸۳۲ هزار و ۲۵۱ دلار کیف وارد کشور شده است.

یعنی در هر ماه:

۸/۸۳۲/۲۵۱ ÷۵~۱/۷۶۶/۴۵۰-

حدوداً یک میلیون و ۷۶۶ هزار و ۴۵۰ دلار کیف وارد کشور شده است و در سال ۱۳۹۲:

۱/۷۶۶/۴۵۰×۱۲=۲۱/۱۹۷/۴۰۰

۲۱ میلیون و ۱۹۷ هزار و ۴۰۰ دلار و باز با احتساب هر دلار ۳۰۰۰ تومان می‌شود:

۲۱/۱۹۷/۴۰۰×۳۰۰۰=۶۳/۵۹۲/۲۰۰/۰۰۰

۶۳ میلیارد و ۵۹۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان.

بله به‌طور تقریب در سال ۹۲، ۲۷ میلیارد و ۸۰۶ میلیون و ۴۰ هزار تومان کفش و ۶۳ میلیارد و ۵۹۲ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان کیف وارد کشور خواهد شد که روی هم می‌شود:

۲۷/۸۰۶/۰۴۰/۰۰۰ + ۶۳/۵۹۲/۲۰۰/۰۰۰
=۹۱/۳۹۸/۲۴۰/۰۰۰

۹۱ میلیارد و ۳۹۸ میلیون و ۲۴۰ هزار تومان.

چقدر خوب بود اگر حتی یک کفش و کیف خارجی وارد کشورمان نمی‌شد و کیفیت تولیدات داخلی کفش و کیف هم به حد مطلوبی می‌رسید.



هیچ کس نامه نمی‌نویسد

فاطمه حیدری
تصویرگر: معین صدقی

زیاد می‌نوشتیم «ملالی نیست جز دوری شما». تو هم همیشه همین را می‌نوشتی. یادت می‌آید؟ همیشه هم جوهر خودکار آبی‌ات روی همین جمله پخش می‌شد و شوره می‌بست.
نامه را پســت‌چی می‌داد به آقاجان. آقاجان هم، هر وقت روز بود، دکانش را می‌بست و می‌آمد خانه. از همان دم در حیاط نامه را تکان می‌داد توی هوا و صدا می‌زد: «چشــمت روشن، صولــت.» به مــادر می‌گفت. و پاهای مادر جــان می‌گرفت و نمی‌فهمیدیــم چطــور آن همه پله را می‌دویــد پایین. با هم می‌رســیدند کنار حــوض. و بعد تا آقاجان پاکــت نامه را باز کند، ما هم رسیده بودیم کنارشان؛ من و سمیه. نامه را مادر می‌بوســید و می‌داد آقاجان. آقاجان می‌بوســید و می‌داد به من. می‌گفت:
«صفورا بلند بخوان، چشــمم سو ندارد.» بعد من می‌بوسیدم و می‌خواندم، همیشــه هم مشــت پیر و چروک مادر بود که،



یک خط در میان می‌نشست توی سینهٔ استخوانی‌اش و گوپی صدا می‌داد. اشک‌هاش هم بود که تندتند با گوشهٔ روسری‌اش پاک می‌کرد.
هیچ وقت اسمی از عملیات نمی‌آوردی، یادت هست؟ اما مادر می‌فهمید. از فال نخودِ خاله شَرف؛ همسایه‌مان، یادت که هست؟ خاله شرف هم به خاطر چشم به راهی مادر بود که همیشه خدا چهل تا نخود گره می‌زد گوشه روسری‌اش و می‌آمد خانه‌مان. نخودها را بی‌هیچ نظمی می‌ریخت جلویش و فقط خودش می‌فهمید که نخودها چی دارند برای گفتن. خوب‌هاش را می‌گفت و بدهاش را ...
بعد، این مادر بود که تا سر آمدنِ موعدی که خاله شرف وعده داده بود، نذر کند و تسبیح بگرداند. یک مدت پیدات نبود، یادت می‌آید که؟ حتی توی فال نخود. خاله شرف فهمید. اما نگفت به ما. گفت:
ـ حالش خوب است؛ تا دو هفته دیگر یا خودش می‌آید یا قاصدش.

***

شد چند هفته. نه خودت آمدی و نه نامه‌ات. مادر افتاد دست به دامان فاطمه زهرا و پختن آش گدایی. پابرهنه، کوچه‌های گلی و خانه به خانه محله را گشت. یکی سبزی داد، یکی نخود و یکی لوبیا. بعد زن‌های همسایه آمدند و با هم آش بار گذاشتند و دعا خواندند. و هر بار مادر، خودش بود که با خمیر گوله‌ای درست می‌کرد و با وردنه، پهن‌اش می‌کرد. آن‌قدر نازک که بشود مثل یک برگ کاغذ، تاش می‌زد؛ و با کارد رشته آشی می‌برید. بعد ته مانده خمیر را آدمک درست می‌کرد. یک آدمک خمیری کوچک. راستِ کفِ دست، که هم سر داشت و هم دست و پا.
آدمک ما بین قُل‌زدن‌های ریز نخود و لوبیا و سبزی آش گم می‌شد. و موقع تقسیم، از ته دیگ بالا می‌آمد. مادر خودش بود که آدمک خمیری را می‌داد، به نهر آب سر کوچه و دلش قرص می‌شد که آدمک قضا بلایت را دور می‌کند و می‌بَرَد.
بعد دوباره نامه‌ات آمد. نوشته بودی: «ملالی نیست جز دوری شما...»
نامه‌ات کوتاه‌تر شده بود و کم حرف‌تر. انگار عجله داشتی یا فرصت نبود برای نوشتن و مثل همیشه هم نگفته بودی جواب، فوری فوری. و این، یعنی حرف‌هایی که آقاجان شنیده راست است: اعزام به صالح‌آباد کردستان.
تو نبودی که ببینی آقاجان چطور چسبیده بود به رادیوی جیبی‌اش. همان جور که ندیدی تا تمام شدن زمستان، مادر چندبار آش پخت و هر بار گدایی کرد و آدمکش را داد به نهر یخ بسته سر کوچه، تا دلش قرص شود به سلامتی‌ات. جنگ بود دیگر. مادر می‌گفت: «خیر نبیند صدام» و مشکل‌گشا نذر می‌کرد. تا اینکه بی‌خبر آمدی. درست که لاغر شده بودی و سیاه می‌زدی، اما خودِ خودت بودی، سالمِ سالم. اول نشناختمت. یادت هست؟ بس که ریش داشتی. بعد تعریف کردی که چطور چند تا از هم‌رزمانت جلوی چشمت شهید شده‌اند و ما گریه کردیم.
حالا که جنگ تمام شده، هیچ‌کس نامه نمی‌نویسد. من هم که نوشتم، خیال نکن به خاطر خودم است. به‌خاطر مادر است. بعد از فوت آقاجان، خیلی تنها شده. خانهٔ آقاجان که می‌روم، تمام نامه‌هات را می‌آورد و می‌خواهد همه را برایش بخوانم، از اول تا آخر. می‌گوید: «کاش دوباره صولت بنویسد: ملالی نیست جز دوری شما.»



تلویزیون‌های آینده

امیر افشار

از زمان تولید اولین دستگاه تلویزیون سال‌های سال است که می گذرد، اما تلاش انسان برای نزدیک کردن دنیای خیال به واقعیت همچنان ادامه دارد. چندین سال پیش ساخت تلویزیون‌های باریک بسیار دور از ذهن به نظر می‌رسید؛ ولی حالا کافی است چرخی در بازار بزنید تا طیف وسیعی از باریک‌ترین های تلویزیون را ببینید. در این شماره سعی داریم به همراه قوهٔ تخیل و تجربهٔ سال‌های گذشته از تحولات این جعبه جادویی، نمایی از تغییرات را در سال‌های نه‌چندان دور آینده ترسیم کنیم.

فراتر از ۴K

چیزی که در آینده می‌توان انتظارش را داشت، ادامه روند بزرگ‌تر شدن صفحه نمایش تلویزیون‌هاست. در بازار رقابتی کنونی صفحه‌های ۱۱۰ اینچی هم دیده می‌شوند که علاوه بر قیمت، فضای مناسب برای تماشای آنها هم باید مورد توجه قرار بگیرد. تلویزیون‌های آینده با قابلیتی هشت برابر بالاتر از نظر کیفیت تصویر پا به عرصه خواهند گذاشت. به این معنی که با پسوند۸k آنها را خواهیم شناخت. سال ۲۰۱۳ در نمایشگاه CES شرکت شارپ نمونه‌ای از آن را رونمایی کرد که چشم همگان به وضوح تصویرش خیره ماند. همان‌طور که می‌دانیم تلویزیون‌های HD قابلیت پخش تصویر با کیفیت دو مگاپیکسل را دارند. در تلویزیون‌های ۴k که در اندازه‌های بالای هشتاد اینچ ساخته می‌شوند این کیفیت به چهار مگاپیکسل رسید و در نسل آینده به ۳۲مگا پیکسل خواهد رسید و انقلابی در کیفیت پخش رخ خواهد داد.

تصویری در آب

تا به اینجا در ذهن همه ما ساختار شناخته شده‌ای از صفحه تلویزیون نقش بسته که برایمان قابل درک است. اما یک شرکت روسی رویایی در سردارد تا ساختار ذهنی‌مان را بشکند. این شرکت با ساخت صفحه نمایشی از جنس آب آینده‌ای باورنکردنی را پیش‌روی همگان به تصویر کشیده‌است. این تلویزیون تصاویر را بر روی پرده بسیار نازکی از آب که به‌وسیلهٔ فشار هوا ایجاد می‌شود نمایش می‌دهد. دراین مقطع زمانی تصاویر از کیفیت بالایی برخوردار نیستند ولی سازندگان امید دارند تا در سال‌های آینده با بهبود سیستم ایجاد پردهٔ آب کیفیت تصاویر را برای نمایش فیلم و عکس بالا ببرند. لطفا دکمهٔ خیال‌پردازی ذهنتان را برای ده سال آینده روشن‌نگه‌دارید. آینده نزدیک است.





شفاف و رویایی

آیـا تا به حال بـه این فکر کرده‌اید که اگر صفحـهٔ نمایش تلویزیون طوری بود که می‌توانستید آن طرف دیگرش را هم ببینید چه می‌شد؟ زیاد فکر نکنید؛ چون شـرکت سامسـونگ و ال‌جی به طور جداگانه بـرای این مـورد از خیال‌پردازی‌هایمان هم فکـری کرده‌اند. این دو شـرکت با هدف سـاخت تلویزیون‌هایی که برای تبلیغات اسـتفاده می‌شـوند، محصولی را به دنیای فناوری معرفـی کرده‌اند که صفحه نمایشـی شـفاف دارد. از این محصول که در اندازه ۲۲ اینچ ساخته شـده برای ارائه یا نمایش محصول در اندازهٔ اصلی آن به همراه فیلم تبلیغاتی‌اش استفاده می‌شود.



منحنی‌ای به نام تلویزیون

تلویزیون‌های آینده برای نزدیک‌تر شدن به ساختار طبیعی بدن انسان چـه از نظر زاویـه دید و چه از نظر بعد و عمق میدان به سـمت منحنی شدن خواهند رفت. شرکت ال‌جی به عنوان اولین تولیدکننده صفحات مخصوص این تلویزیون‌ها با نام OLED شناخته شده است. این شرکت در راستای هماهنگی محصولات دیجیتالی با ساختار بدن این محصول را تهیه کرده‌اسـت. کیفیت تصویر در هر دو حالت دو بعدی و سه بعدی بسیار واضح مسحور کننده است. این سری جدید از تلویزیون‌ها بسیار باریک‌تر از سایر تلویزیون‌های دیگر ودر مصرف انرژی بسیار صرفه‌جو و دوست‌دار طبیعت خواهند بود.

اهل چالش

ارغوان غلامی
عکس: فرهاد قلی‌پور

مهسا نیکان‌مهر سال سوم هنرستان است. انیمیشن را خیلی دوست دارد و شاید در آینده همین رشته را در دانشگاه ادامه دهد. او اهل شیراز است و «چاله و چالش» دومین فیلم اوست. چاله و چالش علاوه‌بر شرکت در جشنوارهٔ فیلم رشد، مقام اول جشنوارهٔ «پرسش مهر» را کسب کرده است.

چاله و چالش
ایران ۱۳۹۱
زمان: ۳ دقیقه
کارگردان، تهیه‌کننده، فیلم‌نامه‌نویس، طراح پویانمایی، تدوینگر: مهسا نیکان‌مهر
خلاصه داستان: مردی ویلچری که در مسیر خود با موانع بسیاری برخورد می‌کند.

برای ساختن انیمیشن از چه نرم‌افزارهایی استفاده کردی؟

از نرم‌افزار فلش. هم در آن طراحی کردم و هم تدوینش را انجام دادم. فلش یک ساختار دوبعدی دارد که می‌توانید در آن لایه‌های مختلف بسازید و بعد آنها را به کمک همین نرم‌افزار به‌هم بچسبانید و تدوینش کنید.

با این حساب استفاده از فلش آسان است.

البته خیلی راحت نیست، باید خیلی تمرین کرد تا بتوان یک کار تمیز درست کرد. به من می‌گفتند که استفاده از فلش آسان است، اما چاله و چالش برای این خوب است که ظریف‌کاری‌های زیاد و دقیقی دارد.

چقدر وقت گذاشتی برای این سه دقیقه و این همه ظریف‌کاری؟

چون در کنارش باید درس هم می‌خواندم پنج یا شش ماه طول کشید.

چرا رفتی سراغ این موضوع؛ معلول‌ها و مشکلات آنها با موانع؟

یک روز برای دیدن مادربزرگم به بیمارستان رفته بودم که متوجه شدم آقایی روی ویلچر نشسته است و می‌خواهد وارد بیمارستان شود، اما جلوی در هیچ راه ویژه‌ای برای او وجود نداشت و علاوه بر این آن طرف‌تر هم زمین را کنده بودند.

با خودم فکر کردم این آقا چطور باید برود بالا؟!

می‌دانم که در جشنواره‌های دیگر هم شرکت کردی. جشنوارهٔ فیلم رشد را در مقایسه با آنها چطور دیدی؟

به نظرم دانش‌آموز بودن ما و کارمان باید خودش معیاری برای انتخاب باشد. امسال در بخش دانش‌آموزی کاری جایزه برد که تصویربردار آن یکی از چهره‌های شناخته شده در این زمینه بود.

آن کار از فیلم منِ یا دوستانم بهتر بود، اما کار ما کاملاً دانش‌آموزی بود و فکر می‌کنم این مهم است.

از طرف دیگر، جشنوارهٔ رشد برنامه‌ها و کارگاه‌های خیلی خوبی برای ما گذاشت.

چه کارگاهی؟

یک کارگاه سه‌روزه برای همه بچه‌هایی که در جشنواره شرکت کرده بودند. نقد فیلم، فیلم‌نامه‌نویسی و... .

ما در این کارگاه‌ها خیلی به استاد فرهاد توحیدی مدیون هستیم. کارگاه‌های جشنوارهٔ رشد خیلی‌خیلی خوب بود.

حرف آخر؟

فکر می‌کنم فیلم و فیلم‌سازی بهترین ابزار است برای کمک کردن فیلم‌ساز به محیط اطراف و رشد ایده‌هایی که دارد.

سینموفتوگراف

یکی بخر، دو تا ببر!

بعد از خان‌بابا معتضدی، علی وکیلی آمد و سینمایی به اسم «گراند سینما» را راه انداخت. این سینما بیشترین شباهت را به سینمایی داشت که ما امروز می‌شناسیم، چرا که هر هفته روزهای دوشنبه و جمعه فیلم‌های تازه‌ای نمایش می‌داد و به‌طور مرتب دایر بود.

البته همین سینمای پرشباهت نیز داستان طولانی دارد. جعفر شهری در مورد گراند سینما می‌نویسد: «یکی دیگر از اماکنی هم که کم و بیش؛ یعنی گاه‌گاهی به‌صورت سینما درمی‌آمد، سالن گراند هتل بود که در حالت رواج کار تئاتر و داشتن نمایش‌نامه‌های خوب به‌صورت تماشاخانه درمی‌آمد و در کسادی و تعطیلی تئاتر، سینما می‌گردید... و برای این تعویض و تبدیل فقط کافی بود که پرده تئاتر را کنار بکشند و پرده سینما را بیندازند که از چلوار دوخته شده بود.»

علی وکیلی که مرد مبتکر و خلاقی بود بعدها دو کار دیگر هم کرد. اول آنکه، برای اینکه به کارش تنوع و جذابیت بیشتری بدهد برای هر سینما ارکستری به‌وجود آورد که قبل از نمایش و در حین نمایش آهنگ‌های ایرانی می‌نواخت. بعد از ایدهٔ ارکستر هم، به‌دلیل اینکه خلاقیتش دیگر بیش از اندازه فوران کرده بود، گرامافونی زیر پردهٔ سینما نصب کرد تا آهنگ‌های فرنگی را حین فیلم پخش کند. از دیگر



کارهای ارزنده‌اش هم تأسیس سینمایی مخصوص برای بانوان بود.
او در سالن مدرسه زرتشتیان سینمایی تأسیس کرد و برای جلب بانوان آگهی‌هایی در روزنامه‌های «ایران» و «اطلاعات» چاپ کرد. کسانی که نسخه‌ای از این روزنامه‌ها را ارائه می‌دادند بدون خرید بلیط می‌توانستند فیلم را در نخستین نمایش ببینند.

دو مژده یک‌جا برای خانم‌های محترمه

در سینمای زرتشتیان نمایش سریال معروف روت رولاند، آرتیست معروف و مشهور دنیا برای خانم‌های محترمه شروع می‌شود. مشاهدهٔ عملیات محیرالعقول یک دختر هنرمند دنیا «روت رولاند» برای خانم‌ها لازم است. سینما زرتشتیان از امروز ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۷ به هر خانمی که به سینما بیاید و یک بلیط بخرد یک بلیط هم مجاناً تقدیم می‌کند.»

جنبش‌های سینمایی

امپرسیونیست فرانسه[1]

جنبش امپرسیونیست فرانسه در ۱۹۲۰ و قبل از پیدایش سینمای ناطق پا گرفت. آنها بر این باور بودند که سینما یک هنر کاملاً مستقل است و نباید زیربنای اصلی آن هنرهایی همچون ادبیات یا موسیقی باشد. امپرسیونیست‌ها برای تصویر ارزش بسیاری قائل بودند و در فیلم‌های آنها شیفتگی به زیبایی‌ها و جلوه‌های بصری مشهود است. این نسل از فیلم‌سازان کمتر به شیوهٔ روایت فیلم اهمیت می‌دادند و بیشتر به دنبال بازنمایی تصورات ذهنی، تخیلات و رویاهای شخصیت‌ها در قالب فیلم‌هایشان بودند.
امپرسیونیست‌ها معتقد بودند که هنر سبب آفرینش تجربهٔ شخصی یک هنرمند است و این تجربه احساساتی را در درون تماشاگر برمی‌انگیزاند. این احساسات نه از راه مستقیم بلکه از طریق بیدار کردن عواطف و احساسات با اشارهٔ غیرمستقیم بیان می‌شوند.
جنبش امپرسیونیست فرانسه در اواخر ۱۹۲۹ کم‌کم رو به پایان رفت. این سقوط چند دلیل داشت که از مهم‌ترین آنها ناطق شدن سینما بود.
فیلم «سمفونی دهم» «آبل گانس» نخستین فیلم مهم جنبش سینمای امپرسیونیسم محسوب می‌شود.

۱-impressionnisme francais



پوستر فیلم ناپلئون به کارگردانی آبل گانس



فرصت‌هایی که هدر می‌روند

نکته‌هایی دربارهٔ مدیریت زمان

حسین امینی‌پویا

تنها برای یک‌بار

زمان بستر حرکت و سیر موجودات است و بی‌گمان زمان وجودی و دوران عمر انسان یگانه مهلت ساخته شدن آدمی و به ظهور رسیدن آرمان‌های اوست. زمان حرکت تکاملی انسان تنها و تنها همین زمان است که عمر نام گرفته است و کوتاهی و هدر دادن آن بدبختی و سقوط ابدی او را در پی دارد. در قرآن آمده است: «در روز قیامت انسان‌هایی که از عمر استفادهٔ درست نکرده‌اند با پشیمانی از درون آتش فریاد می‌زنند که پروردگارا ما را بیرون آور تا کارهای شایسته انجام دهیم غیر از آنچه انجام می‌دادیم و خداوند پاسخ می‌دهد: آیا آن‌قدر شما را عمر نداده بودیم که پند گیرید.» (فاطر: ۳۷)

هیچ انسانی دوبار به‌دنیا نمی‌آید تا یک‌بار تجربه کسب کند و دیگر بار تجربیات خود را به‌کار بندد. عمر انسان فرصتی است که یک‌بار آن هم به‌طور محدود در اختیار او قرار می‌گیرد؛ بنابراین باید آن را قدر دانست و از لحظه لحظهٔ آن به بهترین وجه استفاده کرد.

مسئولیت ما

سرمایهٔ اصلی ما در زندگی، عمر ماست و ما نسبت به آن مسئولیم.

پیامبر(ص) می‌فرماید: «در روز قیامت انسان قدم از قدم برنمی‌دارد مگر آنکه (نخست) از چهار چیز از او می‌پرسند: عمرش را در چه راهی گذرانده است و از جوانی‌اش که آن را در چه کارهایی صرف کرده است و...» (الحیاة، ج ۸، ص ۹۴)

همان‌طور که می‌بینید در این حدیث ابتدا پرسشی از شیوهٔ گذران عمر و سپس به‌طور ویژه پرسش از چگونگی گذران فرصت جوانی مطرح می‌شود که خود بخشی از عمر آدمی است و این اهمیت دورهٔ جوانی را در مجموعهٔ عمر آدمی نشان می‌دهد. در این دورهٔ حساس که با لحظه‌های پرشور و هیجان و جلوه‌های شیرین زندگی همراه است روح و جسم انسان در پرتو تحولاتی عمیق و گسترده دگرگون می‌شود به شکلی که با استفاده درست از این موقعیت می‌توان به سعادت ابدی دست یافت.

آری باید از دورهٔ جوانی و نیرو و نشاط آن برای رسیدن به کمال انسانی؛ یعنی کسب ایمان و معرفت و کسب اخلاق انسانی استفاده کرد و باید برای زندگی خود به‌عنوان سرمایه‌ای سترگ ارزش قائل بود و از هدر دادن آن پرهیز کرد که آفت عمر گذران آن به بیهودگی است.

امام علی(ع) فرموده است: «به جست‌وجوی چیزهایی بپرداز که به کارت می‌آید و آنچه را به تو ربطی ندارد فرو گذار؛ زیرا که با ترک آنچه به تو مربوط نیست به آنچه به تو مربوط است (و برایت نتیجه دارد) می‌رسی.» (الحیاة، ج ۸، ص ۹۶)

پرهیز از بیهوده‌کاری تا جایی است که امام علی(ع) آن‌را از نشانه‌های افراد عاقل می‌شمارد و می‌فرماید: «عاقل

کسی است که یک نَفَس به‌کار بی‌فایده نمی‌پردازد و چیزی را که با او نمی‌ماند گرد نمی‌آورد.»
(همان، ص ۹۷)

راهکارهای استفادهٔ درست از زمان

● **قدر زمان را بدانیم**

قدردانی از زمان یکی از دغدغه‌های انسان مؤمن است. امام علی(ع) فرموده است: «فرصت‌ها چون ابرها می‌گذرند. پس فرصت‌های نیک را غنیمت شمارید.»
(نهج‌البلاغه، حکمت ۲۱)

پیامبر(ص) نیز فرموده است: «هرکس انجام کار خیری برایش ممکن شود باید به سرعت آن‌را دریابد چرا که نمی‌داند چه وقت این توفیق از او سلب می‌شود.»
(عوالی‌اللئالی، ج ۱، ص ۲۸۹)

امام صادق(ع) می‌فرماید: «خدای متعال زیاد خوابیدن و بی‌کار بودن زیاد را دوست ندارد.»
(کافی، ج ۵، ص ۸۴)

مؤمن زمان را قدر می‌داند و آن‌را با خواب زیاد و بی‌کاری هدر نمی‌دهد. چه زیبا فرموده است امام علی(ع) در بیان ویژگی‌های مؤمن: «مؤمن در تمام وقتش مشغول است (و چیزی از اوقات او هدر نمی‌رود).» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۳۳)

● **زمان‌های ویژه را بشناسیم**

هر کاری را به موقع انجام دهیم و به بهانه‌های مختلف زمان را از دست ندهیم. اگر می‌بینیم در اسلام برای ماه‌ها، هفته‌ها، روزها و حتی ساعات دعاها، زیارات و اعمال خاصی سفارش شده برای استفاده درست از اوقات و بهره‌مندی از آثار تربیتی آن است. پس دانستن اینکه چه زمانی برای چه کاری مناسب است و در چه مکانی چه اعمالی مفیدتر است به ما کمک می‌کند تا مناسب‌تر از موقعیت‌های زمانی و مکانی بهره ببریم.

● **هدر دهنده‌های وقت را به کمترین حد برسانیم**

هدر دهنده‌های وقت را بشناسیم. تلفن‌ها، دید و بازدیدهای غیرضروری، گفت‌وگوهای بی‌ثمر و تماشای تلویزیون از سر عادت و غیرمفید، استفاده از اینترنت به‌شکل افراطی و غیرضروری، همه و همه می‌توانند از هدر دهنده‌های اصلی زمان باشند. و نیز بی‌نظمی چرا که بسیاری از دوباره کاری‌های وقت‌گیر ناشی از بی‌نظمی‌های ماست.

● **عادت‌های غلط را شناسایی و کنترل کنیم.**

عادت‌های غلط گاه مهم‌ترین عامل مخرب زمان به‌شمار می‌آیند. باید مشخص شود فرد در یک هفته چند ساعت برای مطالعه، خواب، رفت‌وآمد، نظافت شخصی، صرف غذا و اوقات فراغت صرف می‌کند. اگر به‌دلیل عادت‌های غلط، اوقاتی هرز می‌رود باید آن عادات را به‌تدریج ترک کنیم. جام عمر را به‌دست ما داده‌اند تا ما آن‌را با میل خود پر کنیم. پس تمامی لحظه‌ها را قدر بدانیم و آنها را با کارهای مفید پر سازیم.

چند نکتهٔ دیگر

- فعالیت‌های روز بعد را از شب قبل برنامه‌ریزی کنیم.
- کارها را اولویت‌بندی کرده، برای هر کدام ضرب‌الاجل قرار دهیم.
- کارهای سخت را زودتر و در بهترین شرایط جسمی و روحی انجام دهیم.
- کارهای بااهمیت اما ناخوشایند را به تعویق نیندازیم.
- میان فعالیت‌ها برای خود وقت استراحت نیز در نظر بگیریم.
- به محض فهمیدن بی‌فایده بودن فعالیتی، دست از آن بکشیم.
- منظم باشیم و وقت خود را صرف یافتن گم شده‌ها نکنیم.
- اجازه ندهیم کسی وقتمان را بی‌سبب برای خود بگیرد. مهارت نه گفتن را یاد بگیریم.

منابع
۱. الحیاه، ج ۸، محمدرضا حکیمی، انتشارات دلیل ما
۲. سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، حجت‌الاسلام محمد کاویانی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تابستان ۹۱

شیرجه روی ماسه‌ها

آشنایی با رشتهٔ ورزشی والیبال ساحلی

مهدی زارعی



شکل‌گیری

اولین کسانی که به‌صورت دونفرهٔ یا چندنفره به والیبال در سواحل دریاها پرداختند، خانواده‌هایی بودند که اوقات فراغت خود را در کنار دریا سپری می‌کردند. با افزایش علاقه مردم به این ورزش، نخستین مسابقه رسمی والیبال ساحلی سال ۱۹۴۳ در «استیت بیچ» ایالت کالیفرنیا برگزار شد. اتحادیه والیبال ساحلی کالیفرنیا (CBVA) سال ۱۹۶۵ تأسیس شد و قوانین رسمی آن در این اتحادیه نوشته شد. تورنمنت‌های والیبال نیز از همان زمان سازماندهی شدند. علاقهٔ مردم به ورزش در سواحل در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ بیشتر شد و در سال ۱۹۸۳ اتحادیهٔ حرفه‌ای والیبال ساحلی (AVP) شکل گرفت و بسیاری از ستارگان والیبال عضو این اتحادیه شدند و در رقابت‌های ساحلی شرکت کردند. نخستین مسابقات حرفه‌ای این رشته نیز یک سال بعد برگزار شد. سال ۱۹۸۶ اتحادیه حرفه‌ای والیبال زنان (WPVA) آغاز به‌کار کرد و از همان دوران، فدراسیون جهانی والیبال، رقابت‌های رسمی والیبال ساحلی را در برنامهٔ مسابقات خود قرار داد. اولین رقابت ساحلی مردان سال ۱۹۸۷ در سواحل «ایپانه ما» در برزیل برگزار شد و شش سال بعد مسابقات جهانی زنان نیز شکل گرفت. والیبال ساحلی از ۱۹۹۶ به برنامه بازی‌های المپیک اضافه شد.

تور

در وسط زمین تور قرار می‌گیرد و دو نیمه را از هم جدا می‌کند. ارتفاع تور برای مردان ۲/۴۳ و برای زنان ۲/۲۴ متر است. طول تور نیز ده متر و عرض آن یک متر است. در بالا و پایین تور نواری به پهنای پنج تا هشت سانتی‌متر از جنس کرپاس دوخته می‌شود تا محدودهٔ تور کاملاً مشخص باشد. نوارهای عمودی کنار تور نیز دقیقاً روی خطوط طولی زمین قرار می‌گیرند و پنج تا هشت سانتی‌متر پهنا دارند. میله‌های نگه‌دارندهٔ تور کاملاً مدور هستند و با بالشتک‌های ویژه‌ای پوشیده شده‌اند تا در صورت برخورد بازیکنان با میله، از آسیب‌دیدگی آنها جلوگیری شود.

توپ

در مسابقهٔ ساحلی از همان توپ رقابت‌های والیبال سالنی استفاده می‌شود، اما وزن آن بیست گرم سبک‌تر از توپ والیبال سالنی؛ یعنی ۲۶۰ گرم است.

این اختلاف وزن ناشی از میزان باد توپ است. در رقابت‌های ساحلی از باد توپ کاسته می‌شود تا به هنگام حرکت در هوای آزاد و در زمان وزش باد، جهت آن تغییر نکند.

داوران

در هر مسابقه داور وسط از روی سکویی که در کنار زمین وجود دارد، به قضاوت بازی می‌پردازد. تصمیمات این داور به‌عنوان تصمیم نهایی داوران شناخته می‌شود.

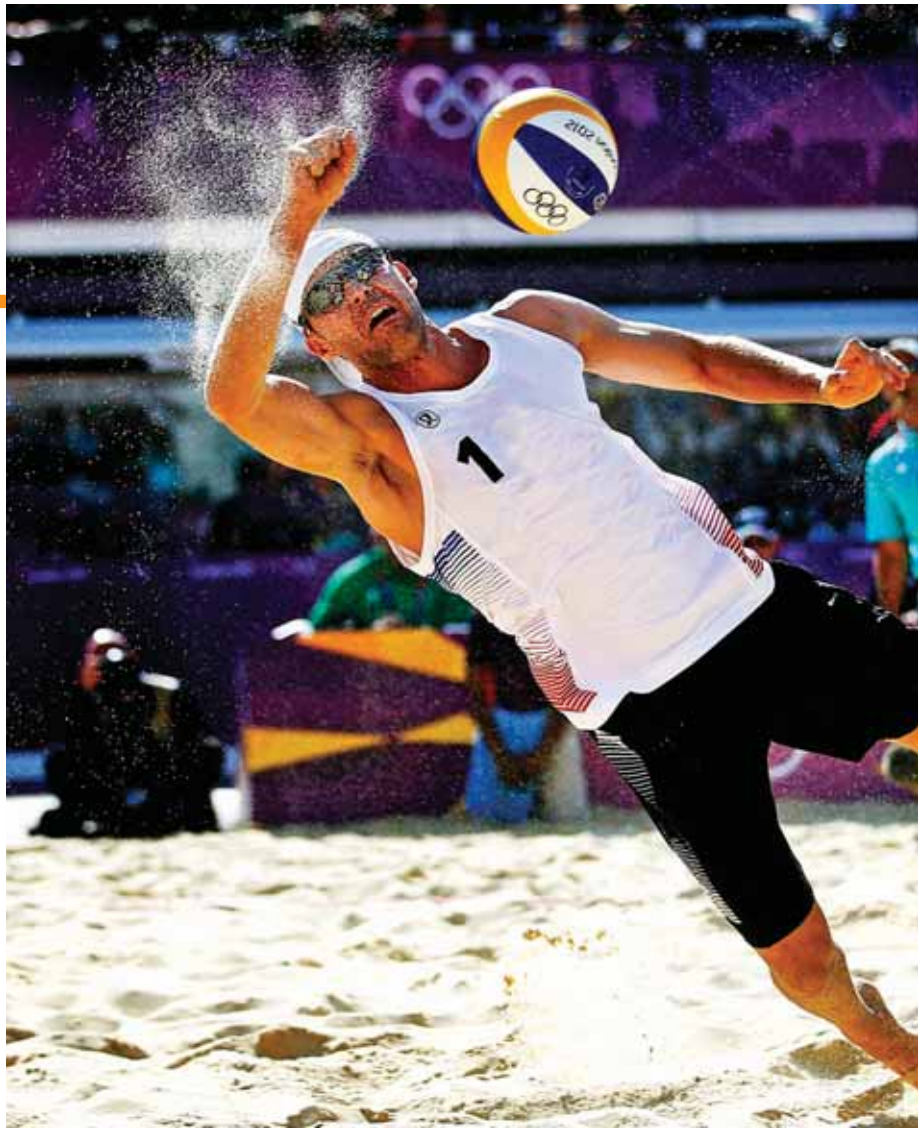
همچنین روبه‌روی این داور، داور دوم مسابقه حضور دارد. وی خطاها را اعلام کرده، در صورت نیاز در تصمیمات داور اول

گاه‌شمار

۱۹۹۳
اولین دورهٔ مسابقات والیبال ساحلی اروپا در «آلمریا» اسپانیا برگزار شد و عنوان قهرمانی به نمایندگان فرانسه رسید.

۱۹۹۷
نخستین دورهٔ مسابقات جهانی والیبال ساحلی در لس‌آنجلس (ایالات متحده) برگزار شد و عناوین قهرمانی در هر دو بخش زنان و مردان به برزیلی‌ها رسید.

۱۹۹۹
والیبال ساحلی به برنامهٔ بازی‌های پان آمریکن اضافه شد. اولین دورهٔ رقابت‌های والیبال ساحلی در این بازی‌ها، در کانادا برگزار شد و قهرمانی به نمایندگان کانادا رسید.



به او کمک می‌کند. همچنین چهار قاضی خط (خط نگه‌دار) در چهار گوشهٔ زمین حضور دارند که اوت‌شدن توپ را اعلام می‌کنند.

زمین

مسابقه در زمینی پوشیده از ماسه یا خاک نرم انجام می‌گیرد. زمین والیبال در هر دو بخش مردان و زنان هجده متر طول و نه متر عرض دارد. روی سطح زمین، باید لایه‌ای از ماسه به ضخامت حداقل چهل سانتی‌متر وجود داشته باشد.
این ماسه‌ها باید از الک گذشته باشد و زبر و خشن نباشد. خطوط کنار زمین نیز با طناب مشخص شده‌اند، اما خطی در مرکز زمین مسابقه برای جدا کردن زمین دو تیم وجود ندارد. همچنین فضای بالای زمین باید تا ارتفاع ۷ الی ۱۲/۵ متری فاقد هرگونه مانع باشد.

قوانین

رقابت‌های والیبال ساحلی بیشتر به‌صورت دونفره و در برخی تورنمنت‌ها به شکل چهار نفره انجام می‌شود. بازیکنان هر تیم از لباس و شورت همرنگ استفاده می‌کنند، اما کسی نمی‌تواند جوراب یا کفش به پا کند. مهم‌ترین ویژگی این رشته ممنوعیت استفاده از ضربات فریبنده با یک دست (جای خالی) است و بازیکنان فقط حق دارند هنگام حمله با ضربات محکم، توپ را از روی تور عبور دهند. مسابقات رسمی در سه ست ۲۱تایی برگزار می‌شود و تیمی که برندهٔ دو ست از سه ست شود، برندهٔ مسابقه خواهد بود.

۲۰۱۲
والیبالیست‌های آمریکایی «میستی می» و «کری والش» نخستین تیم دونفره‌ای بودند که سه بار قهرمان والیبال ساحلی المپیک شدند. آنها افتخارات خود را در المپیک‌های آتن، پکن و لندن کسب کردند.

والیبال ساحلی در ایران

اولین بازیکنان والیبال ساحلی در ایران، والیبالیست‌هایی بودند که از حدود دو دههٔ قبل با این ورزش آشنا شدند و به آن روی آوردند.
به همین دلیل بیشتر این نفرات، والیبالیست‌هایی بودند که در استان‌های شمالی کشور و در جوار دریای خزر به این ورزش می پرداختند.
ایران از سال ۱۹۹۴ و در بازی‌های اسیایی هیروشیما نمایندگان خود را به مسابقات بین المللی اعزام کرد.
ورزشکاران کشورمان اولین افتخار خود را در سال ۲۰۰۳ و در مسابقات تور آسیایی کسب کردند.
والیبالیست‌های کشورمان در این رقابت‌ها که در تایلند برگزار شد، یک عنوان دومی و یک مقام سومی کسب کردند. مقام چهارم مسابقات ۲۰۰۵(تایلند)، نایب قهرمانی رقابت های اندونزی(۲۰۰۷) و مقام پنجم مسابقات چین(۲۰۰۹)
از دیگر عناین والیبالیست‌های ایرانی بود.
تا آن که سرانجام ایران در سال ۲۰۱۱ به بالاترین افتخار خود رسید.



پس از یک نایب قهرمانی در رقابت‌های تایلند، تیم والیبال ساحلی ایران متشکل از پرویز فرخی و آق محمد سلاق در مسابقات چین به عنوان قهرمانی آسیا و اقیانوسیه دست یافت.
نمایندگان کشورمان همچنین برای اولین بار در سال ۱۳۹۱(۲۰۱۲) در تور جهانی این رشته شرکت کردند. این مسابقات با حضور ۸۰ تیم برتر جهان در شهر پکن چین برگزار شد.

با توجه به تصاویر موجود از زمان خلقت حضرت آدم(ع) تاکنون ـ تصاویر حک شده روی سنگ‌ها و نقاشی‌های روی ظروف و... ـ سیر تحولی را در پوشش انسان‌ها می‌بینیم. سؤالی که مطرح شد: اگر سوار بر ماشین زمان شویم و به پانصد سال آینده برویم فکر می‌کنیم پوشش آدم‌ها چگونه باشد؟

پوشش پانصد سال بعد

فرزانه نوراللهی
تصویرگر: سام سلماسی

نیمای عزیزم سلام
می‌دانم که تو هم، چون خواهرت نگار مسائل جامعه امروز و حس و حال هم‌سن و سالانت و نظر آنها خیلی برایت مهم است. امروز به سراغ تعدادی از این جوانان پرشور و انرژی دبیرستانی رفتم و با ایشان درباره موضوعات مختلفی گفت‌وگو کردم. نظرشان بسیار برایم شنیدنی بود. اهل فکر و موشکافی در مسائل بودند. بحث جالبی پیش آمد که برایت تعریف می‌کنم:



۳۹۲ ← +۵۰۰ ← ۸۹۲ ← +۵۰۰ ← ۱۳۹۲ ← +۵۰۰ ← ۱۸۹۲

این تصاویر را بر اساس نظرات جالبی که بچه‌ها داده‌اند برایتان کشیدم

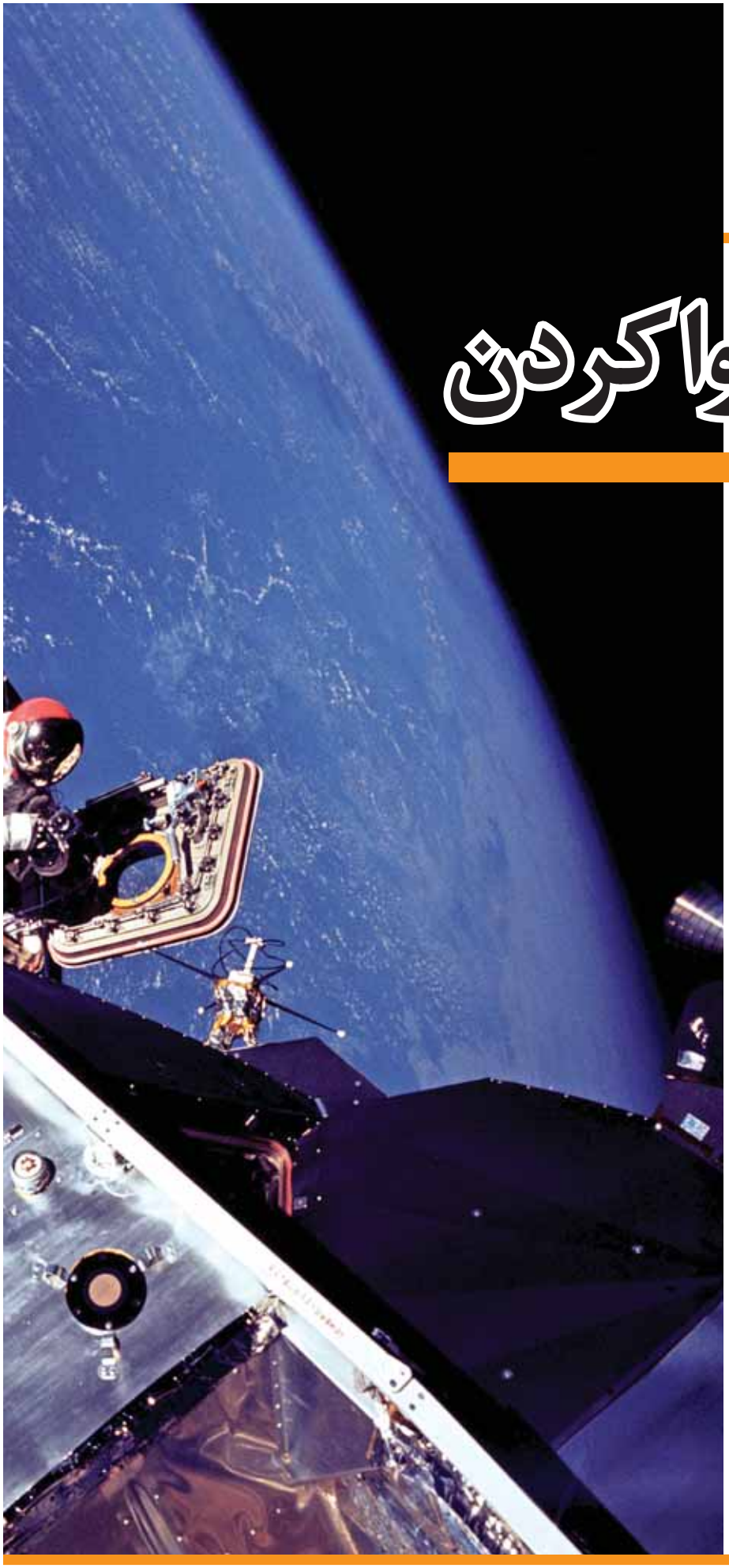
افراد لباس‌های الکترونیکی دارند که تمام امکانات روی آنها نصب شده است و با زدن یک دکمه تغییر شکل می‌دهند. کفش‌ها قابلیت اسکیت شدن و پخش تصویر دارند. ساعت مچی مانند موبایل عمل می‌کند.

پس از گفت‌وگوهای بسیار، باز من با ذهنی پر از سؤال از جمع بچه‌ها خداحافظی کردم.
۱. تو فکر می‌کنی اندیشه‌ها و یافته‌های ما چه تأثیری در پوشش و فرهنگ نسل‌های آینده دارد؟
۲. آیا پوشش افراد زبان دارد و با ما حرف می‌زند؟ چه چیزهایی را بیان می‌کند؟
۳. آیا پوشش و دین به‌هم مرتبط هستند؟ اعتقادات ما نقش تعیین‌کننده‌ای در انتخاب لباس‌های ما دارند؟
۴. چیزی درباره بهداشت پوشاک شنیده‌ای؟!
سلامت پوست، آرامش اعصاب و... آیا بدن ما برای انتخاب لباس، حق به گردن ما دارد؟!!

در آینده پسر و دختر را نمی‌توان تشخیص داد. چون بین لباس‌هایش تفاوتی نیست. ظاهراً همه دنبال آزادی هستند اما چیزی از آزادی نمی‌دانند. شکل ظاهری مردم به سمت مسخره‌بازی و خودنمایی می‌رود.

انگار دنیا به سمت فساد پیش می‌رود و مردم حتی در انتخاب نوع پوشش در حق بدن خود ظلم می‌کنند.

پوشش‌ها با فناوری نانو آمیخته شده است و به هر صورت که انسان‌ها بخواهند درمی‌آید. همیشه آراسته است و هیچ‌وقت کثیف نمی‌شوند



آپولو هوا کردن

سیدامیرسادات‌موسوی

آسمان در این ماه

زمان‌هایی که نوشته شده‌اند، تقریباً برای تمام مناطق ایران درست هستند!

چهارشنبه، ۷ اسفند

مقارنهٔ ماه و زهره

می‌گویند سحرخیز باش تا کامروا باشی! تازه امروز اگر سحرخیز باشی، علاوه بر کامروا شدن، می‌توانی منظرهٔ جالبی را از ماه و سیارهٔ زهره ببینی.

حدود یک ساعت قبل از طلوع آفتاب به افق جنوب شرقی آسمان نگاه کن. در حوالی ارتفاع بیست درجه، هلال ماه و سیارهٔ زهره در فاصلهٔ یک درجه از هم قرار گرفته‌اند.





با استفاده از تصویر بالا می‌توانید در سمت راست این مقارنه، دو صورت فلکی زیبای قوس و عقرب را نیز مشاهده کنید. برای اینکه بتوانید صورت‌های فلکی بیشتری را یاد بگیرید، باید هر شب تمرین کنید و در آسمان به دنبال صورت‌های فلکی باشید.



شرح عکس

«پروژه آپولو» نام مجموعه‌ای از مأموریت‌های فضایی است که حدود چهل سال پیش ناسا انجام داد. مهم‌ترین هدف این مأموریت‌ها فرستادن فضاپیما به سطح ماه بود. در این تصویر، قسمت فرماندهی و پشتیبانی آپولو ۹ را می‌بینید که به بخش ماه‌نورد متصل شده است. این تصویر را یکی از فضانوردانی که در ماه‌نورد بوده، از همکار خود در پنجرهٔ قسمت فرماندهی گرفته است.

آیا می‌دانید؟

حسگرهای CCD، که امروزه در دوربین‌های عکاسی یا دوربین موبایل استفاده می‌شوند، اولین بار برای عکس‌برداری‌های نجومی ابداع شدند. زبان برنامه‌نویسی Forth که اولین بار برای استفاده از یک تلسکوپ دوازده متری، ابداع شد، امروزه برای ردیابی بسته‌های پستی مورد استفاده قرار می‌گیرد. فناوری رصدخانه‌های پرتوی ایکس، امروزه در فرودگاه‌ها برای بررسی محتویات چمدان‌های مسافرین استفاده می‌شود. لباس‌هایی که اولین بار برای محافظت از فضانوردان طراحی شده بود، اکنون در پیست‌های اسکی استفاده می‌شود. مثل کلاه‌های ضد مه که اولین بار برای آپولو طراحی شدند و حالا با تغییراتی تبدیل به کلاه ایمنی اسکی‌بازان شده است.



معرفی تالار گفت‌وگوی نجومی

بحث و گفت‌وگو در مورد مسائل علمی، یکی از امکانات خوبی است که از طریق تالار گفت‌وگوهای اینترنتی به‌وجود آمده است؛ برای مثال نشانی اینترنتی زیر (تالار گفت‌وگوی آوا استار)، فعال‌ترین تالار گفت‌وگوی نجومی به زبان فارسی است که حدود ده هزار عضو دارد:

www.forum.avastarco.com

اعضای آوا استار، هر روز در زمینه‌های مختلفی مانند نجوم رصدی، عکاسی نجومی، فناوری فضایی، علوم سیاره‌ای و... گفت‌وگو می‌کنند. این گفت‌وگوها باعث می‌شود اعضاء بتوانند دانش خود را با همدیگر به اشتراک بگذارند و هر روز چیزهای تازه‌تری بیاموزند.

خواستن

طرح و نوشته: عطا پناهی
عکس: پیمان نیکبخت





پیامبر اکرم (ص) فرمودند: همّت مردان، کوه‌ها را از جا می‌کند. حتماً شما هم دیده‌اید کسانی را که جداً می‌خواسته‌اند تغییر و تحولی در زندگی خود ایجاد کنند اما نتوانسته‌اند حتی گام کوچکی به پیش بردارند. خواستن فقط یک نقطه شروع است؛ همین و بس. از آن به بعد باید بدانید که از چه «راهی» و با چه «ابزارهایی» می توانید به خواستهٔ خود برسید. اما آنچه که اهمیت دارد این است که بتوانید موانع رسیدن به خواستهٔ خود را بشناسید و برطرف کنید. یکی از این موانع، خود شما و ذهنیتتان است. فرد فقیری که می‌خواهد ثروتمند شود اول باید ذهنیت فقر را کنار بگذارد .پس همانطور که پیامبر اکرم (ص)فرموده‌اند شما می‌توانید کوه‌ها را هم جابه‌جا کنید به شرط آن که همت داشته باشید.



نانو زیر ذره‌بین

از جشنوارهٔ نانو چه خبر؟

فاطمه فتح‌علی
عکس: حسام قلعه‌اسدی

همان‌طور که در شماره‌های قبل گفتیم علم نانو، مطالعهٔ اصول اولیه مولکول‌ها و ساختارهایی با ابعاد بین یک تا صد نانو متر است. نانو فناوری، توانمندی تولید مواد، ابزارها و سیستم‌های جدیدی است که با کنترل کردن مولکول‌ها و اتم‌ها، خواص جدیدی در آنها ظهور می‌یابد. نانوفناوری رشته نیست بلکه رویکرد جدیدی در تمام رشته‌هاست. نانوفناوری کاربردهای بسیاری در حوزه‌های مختلف مثل غذا، دارو، تشخیص پزشکی و بیوفناوری تا الکترونیک، کامپیوتر، ارتباطات، حمل‌ونقل، انرژی، محیط‌زیست، هوا و فضا و امنیت ملی دارد. از ویژگی‌های مهم نانوفناوری جنبهٔ چندرشته‌ای بودن آن است. هر چند آزمایش‌ها پیرامون نانوفناوری از ابتدای دههٔ قرن بیستم به‌طور جدی پیگیری شده است اثرات تحول‌آفرین آن در روند تحقیق و توسعه باعث شده است تا نظر تمامی کشورهای بزرگ به این موضوع جلب شود و فناوری‌نانو به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اولویت‌های تحقیقاتی در دههٔ اول قرن ۲۱ به‌حساب آید.

می‌دانیم یکی از حوزه‌های فناوری‌نانو، بخش کشاورزی و زراعت است. به نظر شما چطور می‌توان با استفاده از این فناوری در کشاورزی، طرحی ارائه کرد تا باعث کاهش اتلاف آب و هزینه‌های آبیاری شود؟ علاوه بر این، گیاه آب بیشتری جذب کند؟

حتماً در کتاب‌های فیزیک، در مورد رسانایی حرارتی مواد، مباحثی را آموخته‌اید. تا به حال به رسانایی حرارتی تار عنکبوت فکر کرده‌اید؟ امروزه بازی‌های رایانه‌ای بین نوجوانان بسیار رواج پیدا کرده است. شما چه ایده‌هایی در رابطه با آموزش نانو به کمک این نوع بازی‌ها دارید؟

خوب است بدانید هر ساله در تهران جشنوارهٔ فناوری‌نانو برگزار می‌شود که بخشی از آن مربوط به دانش‌آموزان است. در رابطه با موضوع‌های ذکر شده، با عده‌ای از هم‌سن و سال‌های شما هم‌صحبت شدیم که در این زمینه‌ها، تحقیق و پژوهش کرده بودند و در جشنوارهٔ فناوری‌نانوی امسال حضور داشتند. با ما همراه شوید!

نانوپلیمرهای سوپر جاذب

میلاد رعنایی، احسان رحمانی و صادق بقایی از شهر بجنورد، در جشنواره شرکت کرده بودند. آنها توانستند رتبهٔ چهارم را در بخش‌های کاربردی و سنتز به‌دست آورند. این تیم، مقدمات نانو را در مدرسهٔ خود از











طرف پژوهش‌سرای معلم آموزش دیدند و این‌طور شد که از اول دبیرستان به علم و فناوری نانو علاقه‌مند شدند. آنها در این کار گروهی، نانوپلیمرهای سوپر جاذب را تولید کرده بودند.

نانوپلیمر سوپر جاذب، یک ماده افزودنی خاک است که آب و مواد غذایی را جذب و حفظ می‌کند، با خاک همراه می‌شود و به رشد مطلوب گیاه کمک می‌کند. نام سوپر جاذب از اینجا آمده که این مواد صدها (۴۰۰ تا ۵۰۰) برابر وزن خود آب جذب می‌کنند و این موضوع باعث کاهش اتلاف آب و هزینه‌های آبیاری می‌شود.

آنها در مورد این طرح، می‌گویند: «استفاده از این ماده هیچ عوارضی برای انسان، گیاه و محیط‌زیست ندارد و پس از آبگیری دانه‌های خشک، مواد سوپر جاذب، ژل دانه‌دانه به‌وجود می‌آورند. نانوپلیمرهای سوپر جاذب مانند آب‌انبارهای مینیاتوری عمل می‌کنند! و در موقع نیاز ریشه، به‌راحتی آب و مواد غذایی محلول در آب را در اختیار ریشه قرار می‌دهند. مقدار آبی که در خاک ذخیره می‌شود به ظرفیت نگه‌داری رطوبت خاک نیز بستگی دارد.»

سنتز نانو ذرات اکسید سرب نام طرح دیگر این گروه بود. جالب است بدانید در ایران علاوه بر این دانش‌آموزان، فقط پژوهشگران دانشگاه پیام نور مرکز ابهر موفق به سنتز نانوذرات اکسید سرب شدند. نانوذرات اکسید سرب در صنایع مختلف کاربرد دارند؛ مثل صنعت باتری‌سازی یا اتاق‌های رادیولوژی. یکی از محصولات ساخته شده با این نانوذرات، نانولایه‌های جاذب امواج ایکس است. این نانولایه‌ها با وزن بسیار پایین نسبت به نمونه‌های موجود در بازار با قیمت کمتر، می‌تواند امواج ایکس اتاق‌های رادیولوژی را جذب کند.

تار عنکبوت و نانو لوله‌های کربنی

از طرح‌های جالب دیگر، بررسی رسانایی حرارتی تار عنکبوت و بهبود بخشیدن با ترکیب نانولوله‌های کربنی نام داشت. کیمیا مرزوکیان از کرج، امسال، این پژوهش را در جشنوارهٔ فناوری نانو ارائه داد. او دربارهٔ طرحش می‌گوید: «این اندازه‌گیری برای اولین‌بار در ایران صورت گرفته است.» او می‌گوید: «به‌دلیل نداشتن امکانات آزمایشگاهی، با استفاده از شبیه‌سازی این کار را انجام داده است.» خوب است بدانید رسانایی حرارتی تار عنکبوت که در دنیا اندازه‌گیری شده است، با استفاده از نانولوله‌های کربنی تقریباً دو برابر می‌شود.

این طرح چه هدفی دارد؟ کیمیا می‌گوید طرح او در صنعت میکروالکترونیک، صنعت نساجی و رآکتورهای هسته‌ای کاربرد دارد.

او توانست رتبهٔ سوم را در بخش شبیه‌سازی، در جشنوارهٔ فناوری نانو در تهران به‌دست آورد. کیمیا یک سال روی این پروژه کار کرده است. او از سال اول دبیرستان از طریق پژوهش‌سرای ملاصدرا واقع در کرج، وارد دنیای گستردهٔ علم نانو شده است. در دورهٔ المپیاد دانش‌آموزی نانو توانسته است در بین حدود ۱۶۰۰۰ شرکت‌کننده، رتبهٔ چهار رقمی بیاورد. کیمیا می‌گوید: «به کارهای تحقیقاتی در کنار درس خواندن علاقه دارم و دوست دارم در آینده پزشکی بخوانم.»

آقای بن

سیدامیر محمد ملانوروزی از خراسان رضوی، اولین بازی نانو در ایران را در جشنوارهٔ فناوری نانوی امسال ارائه داد. بازی نانو در جشنوارهٔ خوارزمی رتبهٔ اول استانی را به‌دست آورده است. او دوم دبیرستان است و از طریق مدرسه با کلاس‌های نانو آشنا شده است. بازی سیدامیر محمد شامل پنج مرحله است. او اسم بازیگر بازی خود را «آقای بن» گذاشته است. این بازی به سه زبان فارسی، انگلیسی و فرانسوی است. سیدامیر محمد دوست دارد در آینده در رشتهٔ نانوپزشکی تحصیل کند. اولین بازی نانو در ایران توانست رتبهٔ سوم را در ششمین جشنوارهٔ فناوری نانو، در بخش آموزشی به‌دست آورد.

شما هم اگر به دنیای وسیع نانو علاقه دارید می‌توانید از طریق باشگاه دانش‌آموزی نانو (www.nanoclub.ir) یا پژوهش‌سراهای شهر و استان خود وارد شوید. موفقیت تمام دانش‌آموزان ایرانی، آرزوی ماست!

مریم صالحی



۱۵ اسفند

مژده دهید باغ را بوی بهار می‌رسد

روز درخت‌کاری

پنجره را باز می‌کنم. نسیم خنکی به صورتم می‌خورد. قاصدکی آهسته و آرام داخل اتـاق می‌آید. بهار در راه اسـت. به درخت‌هـای دم در خانه‌مان نگاه می‌کنم چقدر قد کشـیده‌اند. گنجشک‌ها روی شاخه‌های سرو پیر نشسـته‌اند و آواز می‌خوانند. آنها می‌خواهند هرطور شـده چنار پیر خانه‌مـان را از خواب بیدار کنند. پدربزرگ نهالی در دسـت وارد حیاط می‌شود. باغچه را آب می‌دهد تا خاک آن خوب خیس بخورد. پدربزرگ می‌گوید تا درخت‌ها از خواب بیدار نشـده‌اند می‌توان آنها را جابه‌جا کرد و کاشـت. خداوند در سـوره مبارکـه انعام، آیه ۹۹ چنین می‌فرماید:

«او کسـی است که از آسـمان، آبی نازل کرد، و به‌وسیله آن، گیاهـان گوناگـون رویاندیم و از آن، سـاقه‌ها و شـاخه‌های سـبز، خارج سـاختیم و از آنها دانه‌های متراکم و از شکوفه نخل، شـکوفه‌هایی با رشـته‌های باریک بیرون فرسـتادیم و باغ‌هایی از انواع انگور و زیتون و انار، [گاه] شـبیه به یکدیگر، و [گاه] بی‌شباهت! هنگامی که میوه می‌دهد، به میوه آن و طرز رسیدنش بنگرید که در آن، نشانه‌هایی [از عظمت خدا] برای افراد با ایمان است!»

پیامبر گرامی اسـلام می‌فرماید: «خداوند درخت را برای انسـان آفریـد، از ایـن‌رو او باید درخت را بکارد، آن را آبیاری کند و در حفظ آن بکوشد.»

۵ اسفند درگذشت خواجه نصیرالدین طوسی

از زندان تا وزارت

خواجه نصیرالدین برجسته‌ترین منجم جهان در فاصلهٔ زمانی بین بَطلَمیوس و کپرنیک بـود. در کتاب احوال و آثار خواجه نصیر طوسی فهرست آثار وی بالغ بر ۱۹۰ کتاب و رساله نوشته شده است. از این فهرست ۱۸۳ اثر را به یقین از خواجه و ۷ کتاب و رساله را منسوب به وی می‌دانند. در لغت‌نامهٔ دهخدا هم فهرسـت نام برخی از تألیفات خواجه آمده اسـت. خواجه نصیر در هر یک از رشـته‌های فقه، اصول، حکمت، کلام، منطق و علوم ریاضی، نجوم، اخلاق و... در مرزهای دانش زمان خود بود و حتی در بخش‌هایی مانند مثلثات و حرکت اختـران به خلاقیت و نوآوری رسـید. خواجهٔ طوس، چـه در روزگار زندان و بازداشت در قلعه‌های اسماعیلیه و چه در زمـان صدارت، وزارت و مشـاورت در دسـتگاه هلاکوخـان، دمـی از یادگرفتن و یاددادن غافل نماند. وسعت معلومات و نفـوذ او با ابن‌سـینا قابل قیاس است، جز آنکه ابن‌سینا پزشک بهتری بود و طوسی ریاضیدان برتری. به منظور بزرگداشـت این دانشمند ایرانی، در نیم‌کرهٔ جنوبی ماه، دهانه‌ای به قطر شـصت کیلومتر را نصیرالدین نام‌گذاری کرده‌اند. اسـتپانویچ چمیخ، فضانورد روسـی نیز سـیارک شمارهٔ ۱۰۲۶۹ را به اسم او نام‌گذاری کرد. دانشگاه صنعتی خواجـه نصیر طوسی در تهران نیـز از جملـه مراکز علمی است که به اسـم او نام‌گذاری شده‌اند.





عکس: سایت مجتمع آموزشی شهید مهدوی

۲۴ اسفند — شهادت حضرت زهرا(س)

ماه پشت پردهٔ ابر

اسـماء غروبـی دلتنگ‌تر از ایـن ندیده بود. آفتاب سـر دیوار نشسـته بود و دل رفتن نداشت. شاید او هم می‌دانست که فردا دیگر دختر رسـول خدا را نمی‌بیند. فاطمه(س) رو به قبله دراز کشـیده بود. خودش را شسـته، لباس تمیز پوشـیده و عطـر زده بـود. علـی(ع) در اتـاق را آهسـته باز کرد و وارد شد. فاطمه(س) نتوانسـت سـرش را بلند کند. نگاهش مثـل پروانـه‌ای چرخید و صـورت علی را نـوازش کـرد. علی کنـار رختخواب فاطمه نشسـت. اشـک‌هایش بی‌اختیار روی صورتش جاری می‌شد و قطره‌قطره کنار رختخواب می‌ریخت. فاطمه همهٔ توانـش را جمع کرد تـا حرف بزند: «ای پسـرعمو هرگـز مـرا دروغ‌گـو و خائن ندیـدی. از روزی که به خانـهٔ تو آمدم، هیچ‌وقت با تو مخالفت نکردم.» علی(ع) سـرش را نزدیک برد: «پنـاه بر خدا! به خدا قسـم رفتن تو مصیبت رفتن رسول خـدا را برای من تـازه می‌کند.» صدای علـی می‌لرزید و پهنـای صورتش غرق اشـک بود. فاطمه را در آغوش گرفت و سرش را به سینه‌اش چسباند. «علی‌جان، تو را به خدا می‌سـپارم و بـه نیکویی با فرزندانم سـفارش می‌کنم. مرا در شـب دفن کن تا کسـی نشـانی قبر مرا نداند. به فرمان خـدا بردبار و بر حکم او راضی بـاش.» صدای گریهٔ علـی و فاطمه اتـاق را پر کرد. اسـماء بنت عُمیس چون کودکان سر بر زانو گذاشته بود و اشک می‌ریخت. نیمه‌شب، ماه پشت پردهٔ ابر نشسته بود و خانهٔ علی(ع) در سـکوت گریه می‌کرد.

منبع: گلی برای آخرین پیامبر، مهدی ماهوتی، انتشارات مدرسه.

۱۶ اسفند — ولادت حضرت زینب(س)

زینت پدر

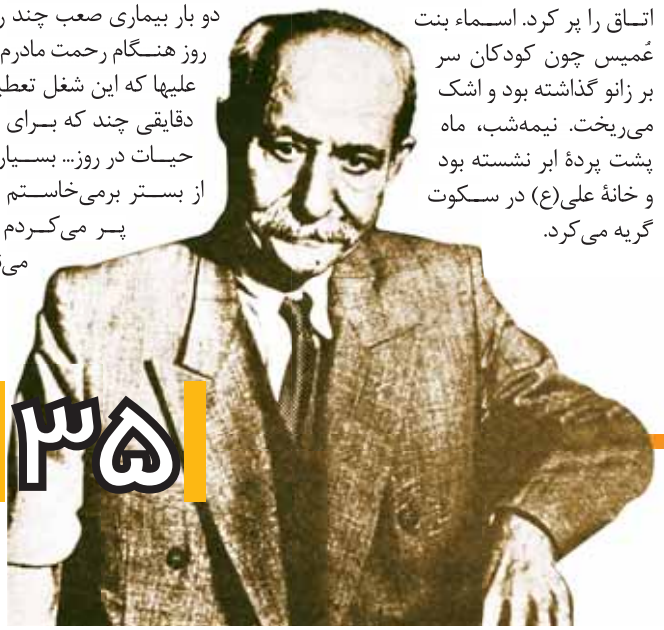
خانـه فاطمه (س) غرق در نور اسـت. همه بـرای دیدن سـومین نوه پیامبر لحظه‌شـماری می‌کننـد. آسـمان زیباترین لباسـش را به تن کرده است و صبورترین و مهربان‌ترین ستارهٔ خود را در دامان فاطمه می‌گذارد.

فاطمـه نـوزادش را در آغـوش می‌فشـارد و می‌بوید، اشـک شـوق گونه‌هـای نوزادش را نوازش می‌کند. پیامبر(ص) همین کـه مژده ولادت دختر فاطمه(س) را شـنید، به خانه فاطمه(س) رفت و نوزاد را طلب نمود و او را در آغوش خود فشرد، بوسه بر گونـه‌اش افکند و نام کودک را زینب نهاد. زینب از دو بخش «زین»؛ یعنی زینـت و «اَب»؛ یعنـی پـدر ترکیب یافته است به معنی زینت پدر.

۷ اسفند — درگذشت علامه علی‌اکبر دهخدا

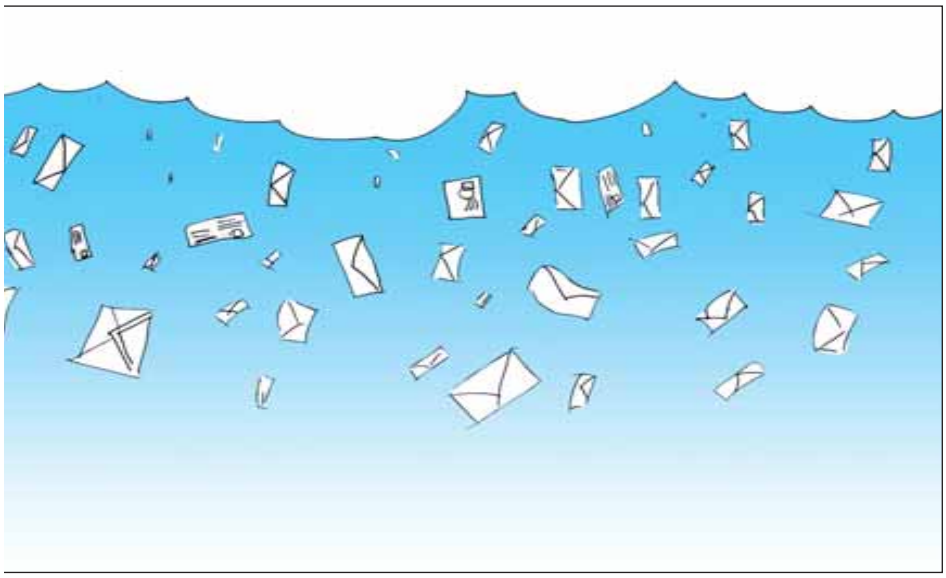
پدر لغت‌نامهٔ فارسی

همه ما علامـه علی‌اکبر دهخـدا را با لغت‌نامه و طنزهایش در صور اسرافیل می‌شناسیم، اما تاکنون به چگونگی تهیهٔ لغت‌نامه فکر کرده‌اید؟! این یادداشتی اسـت که در مقدمـهٔ لغت‌نامهٔ دهخدا نوشته شده. «کار فحص (جست‌وجو) و تتبع (تحقیق) بیش از بیست و اند سال بکشید پیوسته و بی‌هیچ فصل و قطعی، حتی نوروز و عیدین و عاشورا، بیرون از دو بار بیماری صعب چند روزه، و دو روز هنـگام رحمت مادرم رحمه‌الله علیها که این شغل تعطیل شد، و دقایقی چند که بـرای ضروریات حیـات در روز... بسـیار شـب‌ها از بسـتر برمی‌خاسـتم و پلیتـه پـر می‌کـردم و چیزی می‌نوشتم.»



رنگ نفرین

زیر نظر مهدی فرج‌الهی
تصویرگر: وجید امینی



خواندنی‌های تاریخی!

اسفندماه/ الیور توریست

در ادامه قصد داریم برخی از مناسبت‌های تاریخی و علمی اسفندماه را در طول تاریخ بشریت از دریچهٔ طنز بررسی کنیم؛ پس با ما همراه باشید:

● اولین آسمان خراش جهان را در انگلستان «اروین کلانس» معمار ساخت و به این ترتیب آسمان، خراش پیدا کرد. این ساختمان یک کارخانهٔ دوازده طبقه بود که به سرعت شبیه قارچ خودش را تکثیر کرد و شهرها را دلخراش کرد.

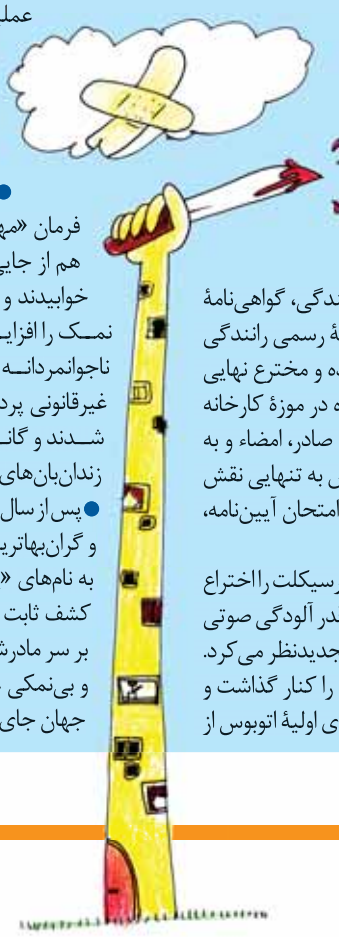
● برای اولین‌بار در تاریخ مقررات راهنمایی و رانندگی، گواهی‌نامهٔ راندن اتومبیل صادر شد. کسی که اولین گواهی‌نامهٔ رسمی رانندگی را گرفت کسی نبود جز «هانری فورد»، کامل‌کننده و مخترع نهایی اتومبیل! اولین گواهی‌نامه رانندگی را که امروزه در موزهٔ کارخانه اتومبیل‌سازی فورد نگهداری می‌شود، خود فورد صادر، امضاء و به خودش تقدیم کرد! به این ترتیب فورد خودش به تنهایی نقش آموزشگاه رانندگی، ادارهٔ راهنمایی و رانندگی، امتحان آیین‌نامه، سرهنگ آزمون شهر و... را یک‌جا بازی کرد.

● روزی که «گوتلیب دایملر» (مخترع آلمانی) موتورسیکلت را اختراع می‌کرد فکر نمی‌کرد روزی برخی موتورسوارها این‌قدر آلودگی صوتی و هوایی و زمینی ایجاد کنند؛ وگرنه در اختراعش تجدیدنظر می‌کرد. او در ابتدا تفنگ‌ساز بود، ولی بعدها ساخت اسلحه را کنار گذاشت و اختراع‌های مفیدی کرد که موتورسیکلت و طرح‌های اولیهٔ اتوبوس از مهم‌ترین آنهاست. دایملر در این ماه در اثر نفرین و ناله‌های مردمی که از موتورسوارهای بی‌احتیاط، دل‌خوشی نداشتند از دنیا رفت!

● برای اولین‌بار جوانی فرانسوی به نام «کلمانتین آرژا» چتر نجات ساخت. البته کلمانتین که یک سیرک‌باز بود، چتر نجات را برای عملیات سیرک و پرش از نقاط مرتفع در حضور تماشاچیان ابداع کرد، ولی بعدها همین وسیلهٔ سرگرمی و خندهٔ مردم در سیرک، باعث نجات جان هزاران خلبان و هوانورد شد!

● نهضت عظیم نافرمانی در هندوستان به فرمان «مهاتما گاندی» آغاز شد. ماجرای این نافرمانی هم از جایی شروع شد که دولت‌مردان انگلستان شب خوابیدند و صبح بیدار شدند و تصمیم گرفتند مالیات نمک را افزایش دهند! گاندی برای مبارزه با این مالیات ناجوانمردانه با ۷۸ هزار نفر از همراهان خود به تهیه نمک غیرقانونی پرداخت که البته همگی هم دستگیر و زندانی شدند و گاندی تا سال‌ها بعد در سلولش، نمک‌گیر زندان‌بان‌های انگلیسی بود!

● پس از سال‌ها زحمت شبانه‌روزی «رادیوم» (از کمیاب‌ترین و گران‌بهاترین فلزات جهان) به همت زن و شوهر دانشمند به نام‌های «پیر کوری» و «ماری کوری» کشف شد. این کشف ثابت کرد اگر زن و شوهرها به جای دعوا و مشاجره بر سر مادرشوهر، خواهرشوهر، مادرزن، خواهرزن و شوری و بی‌نمکی غذا وقتشان را صرف تحقیقات علمی کنند، جهان جای بهتری برای زیستن می‌شود!



زنگ انشاء

نویسنده: م. سر به هوا

پرتاب کفش با مانع

همان‌گونه که مستحضرید آقای جرج بوش در آخرین سفر دوران ریاست جمهوری‌اش به عراق در کنفرانسی خبری مورد هدف لنگه کفش‌های یکی از خبرنگاران قرار گرفت. پس از این رخداد، کمپانی تولیدکننده آن کفش‌ها سیصد هزار جفت سفارش جدید از همان مدل دریافت کرد. جرج بوش خیلی اصرار داشت تا کفش‌ها را به‌عنوان بهترین خاطرهٔ سفر دوران ریاست جمهوری‌اش ببرد و گفت: «لنگه کفشی در بیابان نعمت است.» اما کفش را در مزایده شخص دیگری خرید. این موضوع بسیاری از کمپانی‌های صنعتی را به فکر انداخت و آنها از بوش خواستند برنامه سفرهای خود را به ایشان بدهد تا بتوانند با پرتاب تولیداتشان در کنفرانس خبری فروش خود را افزایش دهند. در این میان کمپانی تولید دمبل و هارتل با خبرنگاری که نخواست نامش فاش شود مذاکراتی را آغاز کرد. در همین رابطه بهترین مراکز مشاورهٔ خانواده در کشورهای مختلف از بوش دعوت کردند تا دورهٔ آموزشی برای شوهران به منظور فراگیری نحوهٔ جاخالی دادن هنگام مواجه شدن با پرتاب کاسه بشقاب برگزار کند. البته همسر بوش در مصاحبه‌ای گفته بود بوش کسب این مهارت را مدیون ممارست‌هایی است که وی در منزل با او به‌صورت مرتب داشته است. برای جلوگیری از تکرار این‌گونه وقایع، مجلس سنای آمریکا قانونی تصویب کرد که به موجب آن خبرنگاران در کنفرانس‌های خبری باید پا برهنه حضور به هم رسانند. خبرنگاران به این قانون اعتراض کردند، نکند بوش در کنفرانس خبری دیگری دست به مقابله بزند. لذا مجلس سنا در مصوبه تکمیلی، بوش و دیگر شخصیت‌های سیاسی آمریکا را موظف کرد پابرهنه به کنفرانس بروند. بوش در کنفرانس خبری بعدی گفت گل وجود کنفرانس لبریز از عطر جوراب است و این شد که مجلس سنا طی تکملهٔ بعدی آن قانون، استفاده از بوگیر و شستن پا را اجباری کرد. سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف جهانی نیز به نوبه خود دست به‌کار شدند. سازمان جهانی استاندارد قوانین و استانداردهای جدیدی را برای تولیدکنندگان وضع کرده است تا در صورت اصابت کفش، آسیب‌های احتمالی کاهش یابد.

ـ شرکت‌های بیمه، بیمه‌نامه‌های جدیدی را برای تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان و شخص ثالث وضع کرده‌اند.

ـ یکی از تولیدکنندگان کفش مدعی شده، نوعی کفش به نام کفش بومرنگی ساخته است که در صورت پرتاب در هوا چرخ می‌خورد، برمی‌گردد و به صاحبش می‌خورد.

ـ کمیته فدراسیون‌های ورزشی آمریکا ورزش جدیدی ابداع کرده است که به‌دلیل مشکلات و موانع موجود بر سر راه تشکیل این فدراسیون نام آن را فدراسیون پرتاب کفش با مانع گذاشته‌اند.



در ریشه‌یابی این موضوع می‌توان گفت که کلاً نباید پای در کفش دیگران کرد. خبرنگار عراقی هم کفش را به طرف بوش پرتاب کرد و گفت فکر کنم شما بیشتر به آن احتیاج دارید. بالاخره دوره بوش هم سرآمد و رفت ور دل همسر گرامی تا تمرینات «پرت کن جاخالی بدم» را تکرار کند. اوباما آمد و در محفل خصوصی در پاسخ به این سؤال که هنگام تحلیف تپق زدی؟ گفت: «یکی در میان جمعیت کفش‌هایش را به من نشان می‌داد و با آنها خط و نشان می‌کشید.» هر چند تحلیل‌گران معتقدند او به اندازهٔ بوش کفش‌خورش مَلَس نیست ولی به هر حال جوجه را آخر پاییز باید شمرد.

ایستگاه شعر

نویسنده: م. مربا

در حکمت بودِ خویش قاطر
می‌گفت چنین به مادرش اسب
باشد هنر خدای خیاط
چسباندن وصله‌های ناچسب

***

کشیده شعلهٔ خشمم زبونه
بشر هر چی کشیده از زبونه
میون خوردن خشم و نخوردن
تفاوت از زمین تا آسمونه



یادداشت

نویسنده: م. مدادرنگی

امروز رفتم سوپر مارکت خرید کردم وکارت کشیدم. از حسابم کم شد و پیامکش آمد اما به حساب سوپری نرفت. دستگاه پوز یه برگه داد که در آن قریب به این مضمون نوشته بود: اگر تا ۷۲ ساعت پول کسر شده به حسابتان نیامد با این شماره‌ها تماس بگیرید.

با خودم فکر کردم که این پول زبان بستهٔ من در این ۷۲ ساعت کجاست؟ پیش چه کسی است؟ چه کار می‌کند؟ اگر قبل از ۷۲ ساعت پول خودش تماس بگیرد و بگوید نمی‌خواهد برگردد چه؟

بالاخره پول برگشت. اما مطمئنم که خیلی نمی‌ماند. کلاً پول موجودِ پرجنب‌وجوشی است و یک جورایی بیش فعال است و یک جا بند نمی‌شود فقط نمی‌دانم چگونه است که به‌دست بعضی‌ها که می‌رسد آرام می‌شود.

صدای مشاور / نویسنده: آقا کوچولو

آقا مـــن می‌خواهم یک اعتراف بکنم. همه آن صحنه‌هـــای بزن بزن و بپـــر بپر که از من دیدید، یـــا جلوه‌های ویژهٔ رایانه‌ای بود یا در اثر مصرف این پودرهای بدن‌ســـازی و افزایـــش قدرت‌بدنـــی. خلاصـــه من اگر اسپایدرمن شدم، به‌خاطر توانایی‌های خودم نبود به‌دلیل همیـــن چیزها بود که گفتم. الان هم پشیمانم. راستی من در این مدت کتاب شاهنامه شـــما را خواندم و با رستم آشنا شـــدم. این آقا چطور بدون جلوه‌های ویژه و پودر و هورمون دیو سفید را شکست داد؟ یعنی راستی راستی این قدر قوی بود؟ خوش به حال شما و رستمتان!

امضاء ــ اسپایدرمن



مشـــاور: آقا اســـپایدر... وقتی مثـــل تارزان آمـــدی توی ســـینما، نفهمیدم کـــی دارد می‌آید، ولی حالا که رفتی زیر سِرُم و خانه ســـالمندان، می‌فهمم کی رفته! در ضمن رستم هم برای شما سلام مخصوص دارد و می‌گوید اگر ایشان نصف امکانات سینمایی شما را داشت الان نان سوپرمن و بت‌من و مـــرد آهنی و پلیس آهنی و بن‌تن هم آجر شده بود!

آیا من یک مورد عجیب در دانش زیست‌شناســـی و ادبیات هستم! همهٔ شما حتماً با داســـتان جوجه اردک زشت آشنا هســـتید و از مصائب و غم‌هایش باخبرید. من هم یک جوجه اردک هســـتم؛ منتها یک جوجه اردک خوشـــگل! مشکل هم دقیقاً همین‌جاســـت که همهٔ خانواده، برادر، خواهرها و همهٔ همسایه‌های اردک ما زشت هســـتند و در تمام منطقه فقط من بیچاره خوشـــگل و طلایی از تخم بیرون آمدم! حالا هم نمی‌دانم با این همه اردک ســـیاه و زشت که مرا مسخره می‌کنند و با من بازی نمی‌کنند چه کار کنم! شـــما راهی برای زشـــت‌کردن من سراغ ندارید؟ یکی دوبار رفتم توی گونی ذغال و ســـیاه شـــدم، ولی تا یک بـــاران زد دوباره به همان زیبایی و درخشندگی سابق شدم! منتظر راهکارهای گره‌گشای شما هستم!

امضاء ــ جوجه اردک خوشگل ولی تنها!

مشـــاور: به حق چیزهای ندیده و نشنیده! راستش من هرچه فکر کردم و از دوستان و همکاران مشاورم هم مشاوره گرفتم، برای مشکل شما عقلم به‌جایی قد نداد مگر اینکه بروید سراغ برخی از این دکترهای به اصطلاح زیبایی و بدهید دماغتان را عمل کنند، پوستتان را بکشند و برایتان گونه هم بکارند... نتیجهٔ کار چیز وحشتناکی می‌شود که می‌تواند باعث حیرت و البته محبوبیت شما در میان سایر اقوام و بستگان زشت‌تان شود!

آقای مشـــاور دســـتم به پاچه شـــلوارتان... من یک دختر کوچولو دارم که علاقه زیادی به دندان‌پزشـــک شدن دارد و هرجا دندان خراب یا پوسیده می‌بیند، می‌رود و مشغول معاینه‌اش می‌شود.

مشاور: مادر محترم... اینکه نگرانی ندارد! خوشبختانه دختر شما به یک شغل دندان‌گیر علاقه‌مند شـــده که آیندهٔ درخشـــانی دارد. منتها به شرطی که در دانشگاه سراسری قبول شود نه دانشگاه آزاد با آن شهریه‌های دندان‌شکن.

وا! آقای مشاور، چرا می‌پرید وسط نامهٔ آدم؟ می‌خواستم بگویم اصل مشکل اینجاست که دخترم به دندان‌پزشـــکی حیوانات علاقه دارد و همین چند روز پیش او را از دهان یک شـــیر بیرون کشیدیم و الان هم کنار من اســـت و... وا! بچه‌ام کو؟ خاک عالم! آنجا رفتی چه کار وروجک؟ شما بگویید من چه کار کنم؟ این بچه سکته داد مرا... ببینید الان کجا رفته؟

ســـردبیر: خانم محترم، این چه عکسی است فرستادید؟ فشار مشاور ما افتاد پایین و همین‌طـــور دراز به دراز ولو شـــد کف تحریریـــهٔ مجله! بابا این مشـــاور ما خیلی ترسو تشـــریف دارد. سوسک می‌بیند عین خانم‌ها جیغ می‌زند و می پرد روی صندلی. لطفاً دیگر از این مشـــاوره‌های خشن برای ایشان ارسال نکنید! آقـــا اورژانس چی شـــد؟ تماس گرفتید؟ این مشاور که از دست رفت!





مشـاور عزیز، من پسـری هسـتم که به کار با رایانه و گشـت‌وگذار در اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای علاقه زیادی دارم، ولی متأسفانه والدینم این علاقه را در من کور می‌کنند و می‌گویند مـن دارم خودم را بـا رایانه خفه می‌کنم. البته علاقهٔ من به رایانه حتی نصف علاقهٔ پدرم به یارانه‌اش نمی‌شـود، ولی نمی‌دانم چـرا علاقهٔ من این‌قدر توی چشم اسـت. شاید به‌خاطر ابداع جدیدم باشـد که به کاربران رایانه این امـکان را می‌دهد تـا در رختخواب هم بتوانند با رایانه کار کنند تا خوابشان ببرد. تصویر این ابداع سـاده ولی کارگشا را که برای ساختش به یک کارتن خالی، یک مانیتور رایانه و کمی چسـب نواری نیاز اسـت برایتان می‌فرستم. راستی به نظر شـما آینده من با این همه علاقه به رایانه چه می‌شود؟
خورهٔ رایانه، فرزند خورهٔ یارانه!

مشاور: اگر این همه که شما رایانه‌تان را دوسـت داریـد فرهاد به شـیرین علاقه داشـت، کوه را سه سوته مثل مـداد سـیاه می‌تراشـید و این قدر فس‌فس نمی‌کرد! در مورد شـما هم باید عرض کنم اگـر به‌همین ترتیب ادامـه دهید سـرانجام به‌علت تکان نخوردن از پای مانیتور، از گرسنگی یا تشـنگی مرحوم می‌شـوید و کلاً آینـده‌ای برایتان باقـی نمی‌ماند که حالا ما بخواهیم بر سـرش گمانه‌زنی بکنیم یا نکنیم!



کاریکلماتور

علی درویش

- احساسات پاکت را در پاکت قرار بده و هدیه کن.
- افراد بی‌مانند همیشه می‌مانند.
- به‌هم نپریم، با هم بپریم.
- دفتر یادداشـت همه‌چیـز را به یاد داشت.
- خیلـی طول می‌کشـد تـا به عرض بزرگان پی ببریم.
- مصرف تاریخ، تاریخ مصرف ندارد.
- ماهیگیر، نانش را از آب درمی‌آورد.
- گذشته، در گذشته. در گذشته زندگی نکنیم
- وقتی به قله رسید که جواب سربالای کوه را نشنید.
- گذشته، درگذشته. نبش قبل نکنیم...
- سرکیسه را طوری شل کن که سرکیسه نشوی!



زیرنظر سعید طلایی

بینی‌ام لای در است

روباه و زاغ

زاغکی قالب پنیری دید
به دهن بر گرفت و زود پرید
روبه خوش‌خیال هم فی‌الفور
با خودش نقشه‌ای جدید کشید
رفت و گفت ای کلاغ خوش‌خط و خال
چون تو هرگز نیامده‌ست پدید
بین من با تو گفت‌وگو باید
بر سر قالب پنیر سفید
می‌توان اندکی مذاکره کرد
حرف حق گفت و حرف حق بشنید
گفت اما کلاغ کای روباه
بی‌خودی بسته‌ای به من امید
قصه‌ات در کتاب درسی هست
برو دنبال حیله‌های جدید
برو ای کم‌سواد بدپندار
درس خود را نخوانده‌ای انگار

البته با وجود اینکه زاغک از حیله روباه خبر داشت، اما همین که منقارش را باز کرد پنیر از دهانش افتاد و روباه هم به هدف خودش رسید. اینجاست که می‌گویند کلاغ هر چقدر هم که تحصیل کرده باشد باز هم شبیه الاغ است!

نامه‌نگاری

نامه یعنی آنچه آدم می‌نویسد بهر یاری
گر که داری خوش به حالت گر نداری خب نداری
در میان نامه آدم چیزهایی می‌نویسد
چیزهای بی‌سر و ته غالباً هم استعاری
شخص عاشق در میان نامه بر حیثیت خود
حمله گاهی می‌کند آن هم به شکل انتحاری
از خودش می‌کاهد و بر یار می‌افزاید این‌سان:
من شبیه Angry Birds، یار مانند قناری
من تلاطم گونه‌ای از ترجمانی ناشکیبم!
تو ولی لبریز از عطر فلان ماه بهاری
این چرندیات را تنها اگر باشی تو عاشق
می‌نویسی از ته دل کاملاً هم اختیاری
البته اینها فقط یک‌جور از نامه‌نگاری‌ست
هست بیش از ششصد و هفده مدل نامه‌نگاری
قبض آب و برق از انواع منفور است و ضمناً
نیست چیزی بدتر از نامه‌نگاری اداری
لااقل یک سال باید در پی امضاء دویدن
وای از آن روزی که باشد کار آدم اضطراری
الغرض از نامه گفتن کار آسانی‌ست اما
از دو چشمت هست پیدا حوصله دیگر نداری!

اتوبوس شرکت واحد

واحد ای مأوای ما علاف‌ها
می‌بری هر روز ما را تا کجا؟
هر کجایی که رئیست پا دهد
کاش ما را در دل تو جا دهد
از فشار قبر گاهی بدتر است
هل نده، آخ! بینی‌ام لای در است
وارد واحد شدن کاری خفن
شیر نر می‌خواهد و مردی کهن
دست و پایم عضوی از مردم شده
کیف و کفش و دست و پایم گم شده
بغض من له شد، فغان از درد و غم
کفش یارو گیر کرده در یقه‌ام
دستگیره! دست این ماشین پیر
دستگیر بی‌کسان! دستم بگیر
واحد این بازار سیّار و بزرگ
می‌فروشد یک نفر گوسفند و گرگ
کفش و مسواک و سوسیس بندری
پوشک و چیپس و جوراب و بربری
توی واحد گشته روشن دیده‌ام
شخصیت‌های فراوان دیده‌ام
دیده‌ام اشخاص مطرح در جهان
لینچان و یانگوم، شرک، ایکیوسان
کاکرو، جیمبو، خپل، اسفندیار
دکتر ارنست، بیگلی بیگلی، مورچه‌خوار
گرچه از واحد سخن‌ها در سر است
می‌روم چون ایستگاه آخر است
آخرِ خط ناقه در گل مانده است
یکَ سؤال سخت در دل مانده است
مبدأ و مقصد فقط پایانه‌هاست
ما نفهمیدیم، آغازش کجاست...

صابر قدیمی





10 Spread half the mixture in the prepared pan and smooth the surface.



11 Arrange half the apple wedges over the batter, reserving the best pieces for the top.



12 Spread the rest of the batter over the apples and smooth once more with a knife.



13 Arrange the remaining apple wedges on top of the cake in an attractive pattern



14 Remove the streusel dough from the refrigerator and coarsely grate it.



15 Sprinkle the grated streusel evenly over the top of the cake.



16 Bake in the center of the oven for 50–60 minutes. Insert a skewer into the center.



17 If the skewer emerges coated in batter, cook for a few minutes more and test again.



18 Leave the cake in the pan for 10 minutes, then carefully remove from the pan, always keeping the streusel on top, and cool on a wire rack. Serve warm.

Apple Cake

Malihe Zarif

This simple apple cake is transformed into something special with a delicious, crumbly streusel topping.

SERVES 6-8 | 30 MINS | 40-45 MINS | 30min, Chilling time

Special equipment
8in (20cm) springform cake pan

Ingredients

For the streusel topping
1 cup all-purpose flour
1/2 cup light brown sugar
2 tsp ground cinnamon
6 tbsp unsalted butter, diced

For the cake
12 tbsp unsalted butter, softened, plus extra for greasing
1 cup light brown sugar
finely grated zest of 1 lemon
3 large eggs, lightly beaten
11/4 cups all-purpose flour, plus extra for dusting
1 tsp baking powder
1/2 tsp salt
3 tbsp milk
2 tart apples, peeled, cored, and cut into even, slim wedges



1 To make the topping, put the flour, sugar, and cinnamon in a mixing bowl.



2 Rub in the butter gently with your fingertips to form a crumbly ball of dough.



3 Wrap the streusel dough in plastic wrap and chill in the refrigerator for 30 minutes.



4 Preheat the oven to 375°F (190°C). Grease the cake pan and line with parchment paper.



5 Cream the butter and sugar with an electric mixer until pale and creamy.



6 Add the lemon zest and beat slowly until well dispersed through the batter.



7 Beat in the eggs, a little at a time, beating well after each addition to prevent curdling.



8 Sift the flour, baking powder, and salt into the bowl, then mix in to the batter.



9 Finally, add the milk to the batter and gently mix it in.

مبارزه‌با سرنوشت



بازی فاینال فنتزی برای بیشتر کسانی که درگیر دنیای بازی‌های ویدئویی هستند نامی آشنا و خاص است. این بازی که در ابتدا برای کنسول نینتندو در سال ۱۹۸۷ در ژاپن و بعدها در سال ۱۹۹۰ در آمریکا به بازار بازی‌ها رسید با استقبال بسیاری روبه‌رو شد. این بازی که در ژانر نقش‌آفرینی(Role Plalying video games یا RPG) قرار دارد، سال‌هاست که به شکل سریالی هر ساله به بازار عرضه می‌شود. داستان این بازی بعدها به دلیل جذابیت فراوان، دست‌مایه ساخت اولین فیلم تمام دیجیتال بلند سینما با همین نام شد که بسیار سر زبان‌ها افتاد و با فروش چند صد میلیونی در صدر جداول فروش قرار گرفت.

امسال نیز این بازی مانند گذشته با دستی پر به بازار برگشته است. قسمت پانزدهم از این بازی با شخصیت‌های بیشتر و رمز و رازهای پرهیجان مدت‌ها شما را به قعر داستان بازی خواهد کشاند و لذت بازی در محیطی با کیفیت گرافیکی بالا و امکانات فراوان برای ادامهٔ بازی برایتان فراهم خواهد کرد. این لذت را از دست ندهید.

همایون

این دستگاه به تناسب نام خود، حالتی شاهانه، اشرافی و باوقار دارد، ولی با این حال زمینه اجرای بسیاری از لالایی‌ها و زمزمه‌های متداول در مناطق مختلف ایران است. همچنین از نغمه‌های این دستگاه در موسیقی زورخانه نیز استفاده می‌شود. به دلیل استفاده از یک گام خاص و تفاوت محسوس در گام بالارونده و پایین‌رونده دستگاه همایون منحصربه‌فردترین دستگاه موسیقی ایرانی به‌شمار می‌رود. دستگاه همایون یا به تعبیری «دستگاه عشاق» با حالت محزون و اسرارآمیز خود گوشه‌های متعددی دارد که گوشه «بیداد» اوج این دستگاه تلقی می‌شود. دو تصنیف «سرگشته» و «طاقتم ده» اثر استاد «همایون خرم»، تصنیف دل‌انگیز «بهار دلنشین» استاد «روح‌الله خالقی» و آلبوم «بیداد» استاد «پرویز مشکاتیان» از جمله آثار جاودان اجرا شده در این دستگاه موسیقی سنتی ایرانی هستند.

طعمی جدید با چای

فصل زمستان دارد به انتها می‌رسد و لذت نوشیدنی با طعم میوه‌های زمستان می‌تواند لحظه‌های خوبی برایمان به همراه داشته باشد. این نوشیدنی که بسیار متفاوت و خلاقانه است شاید تجربهٔ خوبی برای این روزهای پایانی سال باشد.

مواد لازم

- یک پیمانه چای سیاه دم شده(یک‌چهارم لیتر)
- نصف پیمانه شکر
- ۲۰ سانتی متر چوب دارچین
- ریحان تازهٔ خرد شده
- یک لیموترش سبز و زرد قاچ شده
- یک عدد پرتقال قاچ شده
- آب گازدار
- قالب یخ
- چوب دارچین (اختیاری)
- تکه‌های پرتقال و لیمو
- برگ ریحان یا نعنا

روش تهیه

- چای را دم کنید و پس از خنک شدن درون پارچ بریزید. شکر را به آن اضافه کنید و هم بزنید. چوب دارچین، ریحان خرد شده، لیمو و پرتقال برش خورده را اضافه کنید. روی آن را بپوشانید و به مدت ۴ تا ۲۴ ساعت داخل یخچال نگهداری کنید
- مایع را از صافی عبور دهید و تکه‌های میوه و سبزی را خارج کنید. خیلی آرام آب گازدار را اضافه کنید. با قالب‌های یخ آن را سرو کنید. می‌توانید با تکه‌های مرکبات و برگ‌های ریحان آن را تزئین کنید.

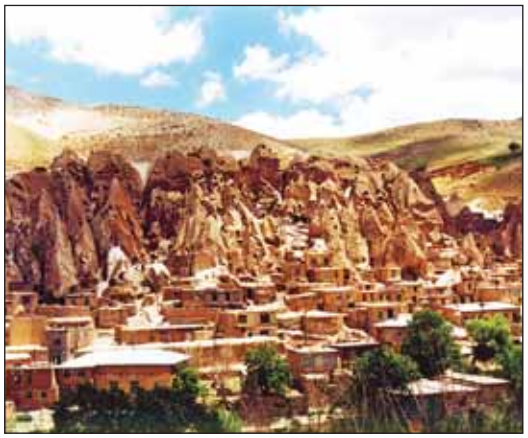


مینیاتوری از طبیعت و تاریخ

سفر به روستای کندوان*

اگر روزی تصمیم گرفتید سفری به آذربایجان شرقی داشته باشید به‌حتم روستای کندوان مقصدی جذاب و مناسب برای یک گردش هیجان‌انگیز خواهد بود. روستایی که در دامنهٔ کوه سهند و در نزدیکی شهر اسکو قرار دارد. صخره‌های کله‌قندی و غارهای دستکن که به عنوان خانه‌های مسکونی استفاده می‌شود، یکی از شگفت‌انگیزترین روستاهای صخره‌ای جهان را پدید آورده‌است. خانه‌های این روستا مانند کندوی عسل در دل کوه کنده شده‌اند و عسل هم از مهم‌ترین محصولات این روستاست. هنگامی که به کندوان قدم می‌گذارید، می‌توانید تابلوهای مینیاتوری از طبیعت و تاریخ را در کنار هم ببینید. شیوهٔ بنای خانه‌های این روستا از نوع معماری صخره‌ای و به شکل مخروطی یا کله‌قندی است. برخی باستان‌شناسان قدمت این روستا را به دوره‌های پیش از اسلام نسبت می‌دهند و برخی تاریخ شکل‌گیری این روستا را بیش از شش هزار سال پیش می‌دانند؛ یعنی زمان حملهٔ مغول‌ها. کندوان جزو سه روستای شگفت‌انگیز دنیاست. این روستا به سبب ویژگی معماری صخره‌ای و بافت مخصوص آن در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است.

***کندوان یا کندجان از دو کلمهٔ «کند» و «جان» تشکیل یافته است. در اصطلاح ترکی کند به معنی روستا و جان به معنی خود است. با توجه به شرایط اقلیمی سرد و یخبندان مردم این منطقه با دست‌یابی به کران‌ها و ایجاد حفره در آنها توانسته‌اند جان خود را در مقابل شرایط سخت اقلیمی حفظ نمایند. این امر موجب شد که کلمهٔ جان در آخر کلمهٔ کند به عنوان پسوند تعلقی قرار گیرد و کندجان را به وجود آورد.**



۳ کتاب، ۳ خوش‌شانسی



زیروبم داستان، زنده‌یاد حسین حداد ، انتشارات عصر داستان.
تلفن : ۸۸۹۳۳۹۳۴-۰۲۱



حکایت‌های فلسفی(اسطوره‌های یونان)، میشل پیکمال، مهدی ضرغامیان، نشر آفرینگان.
تلفن : ۶۶۴۱۳۶۶۷-۰۲۱



هوش هیجانی EQ، مهارت در زندگی روزمره و مدیریت بهینه ارتباطات، علیرضا قربانی، تیزهوشان برتر.
تلفن : ۶۶۴۶۶۱۱۳-۰۲۱ر

کتاب ماه



نگران نباشید

«نگرانی، استرس و اضطراب، می‌تواند نه تنها بر زندگی شما بلکه بر زندگی اطرافیانتان نیز تاثیر بگذارد. نگرانی، خستگی را به دنبال دارد و این خستگی قدرت تفکر را از شما سلب می‌کند. این کتاب به شما نشان می‌دهد چطور با آرامش بیشتری بر چالش‌های زندگی غلبه کنید و به جلو گام بردارید.»

نگران نباشید: چگونه بر نگرانی‌های خود غلبه کنیم؟، پائولو مک‌گی، مهسار مشتاق، انتشارات ابوعطا.
تلفن : ۶۶۹۷۷۰۰۷-۰۲۱

۳ کتاب، ۳دوست



مغازه‌دار(۹داستان کوتاه)، محسن چینی‌فروشان، انتشارات قدیانی.
تلفن : ۶۶۴۰۴۴۱۰-۰۲۱



بوی چفیه، مجموعه خاطرات ،به کوشش رضا قاسمی ،انتشارات فرایاد.
تلفن : ۲۲۷۲۰۲۴-۰۳۸۱



گفت وگو با خواجهٔ طوس، اسفندیار معتمدی، انتشارات مدرسهٔ برهان.
تلفن : ۹-۸۸۸۰۰۳۲۴-۰۲۱

به مجموعه مراحلی که مغز برای حل یک مسئله، خلق یک ایده، آگاهی از یک مفهوم، توصیف یک اثر هنری یا اثبات یک تئوری به‌کار می‌گیرد خلاقیت می‌گویند.

خلاقیت

فاطمه مدیرفلاح

این مجموعه برای هرکس منحصربه‌فرد و شخصی است و چهار مرحله دارد:

۱. آمادگی: تلاش مغز برای حل مسئله از راه‌های معمول.

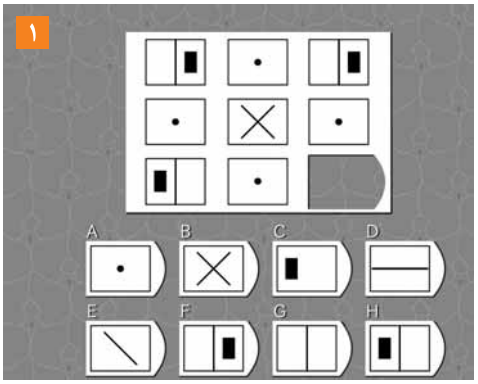
۲. پـرورش موضـوع: وقتی مغز نتوانسـت از راه‌های معمول مسـئله را حل کند خسـته می‌شود و به سـراغ راه‌های دیگر می‌رود.

۳. یافتن راه‌حل: در این قسـمت ناخودآگاه فرد ناگهان مثل جرقه راه‌حل را پیدا می‌کند.

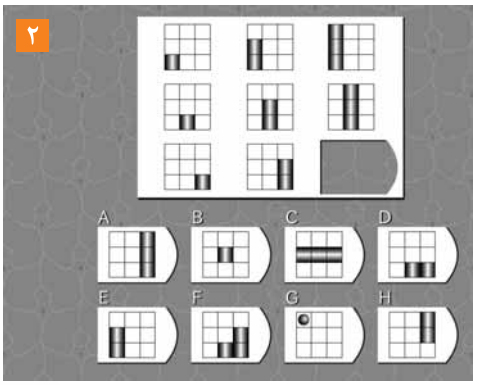
۴. تأییدیه گرفتن: حالا قوهٔ استدلال پاسخ را تحلیل و بررسی می‌کند و همهٔ احتمالات را ارزیابی می‌نماید.

در ادامه برای آزمایش خلاقیت ذهن شـما سؤال‌هایی طراحی شـده‌اند که رفته‌رفته مشکل‌تر می‌شوند. برای حل آزمون‌های زیر ۱۰ دقیقه وقت دارید.

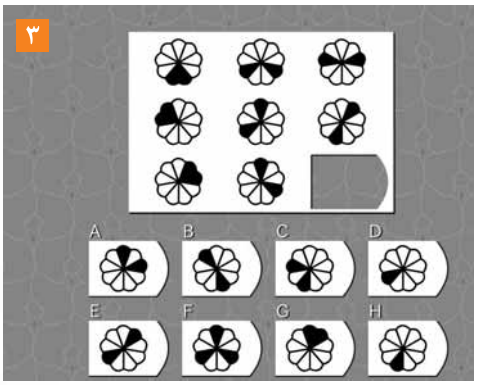
۱



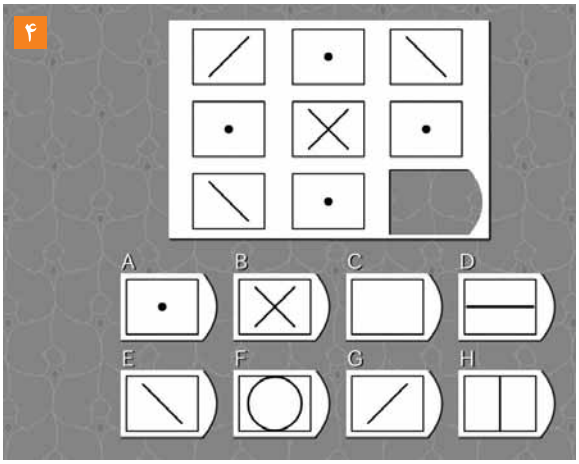
۲



۳



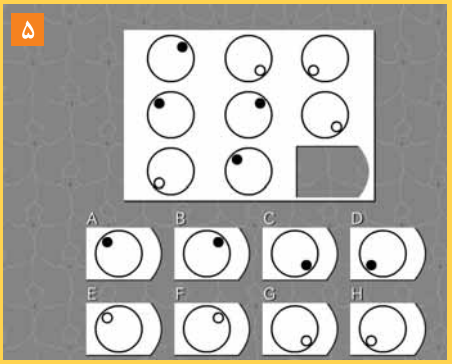
۴



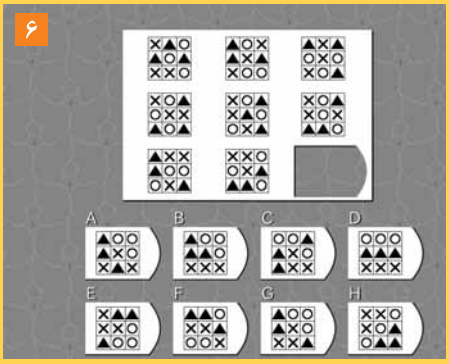


پاسخ صحیح کدام است؟

۵

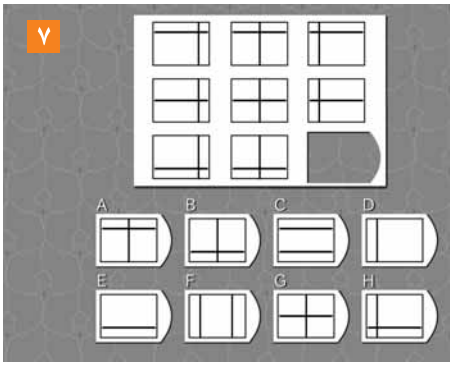


۶

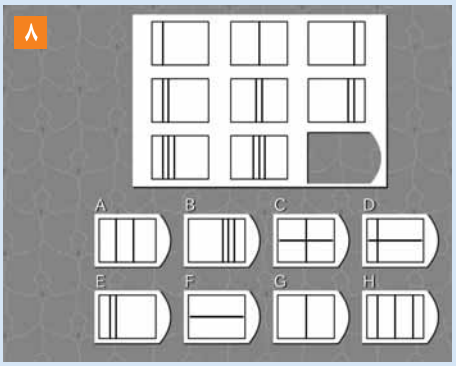




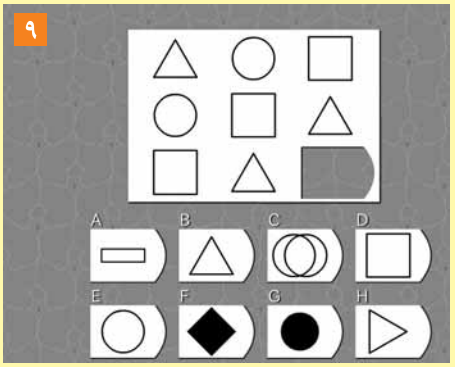
۷



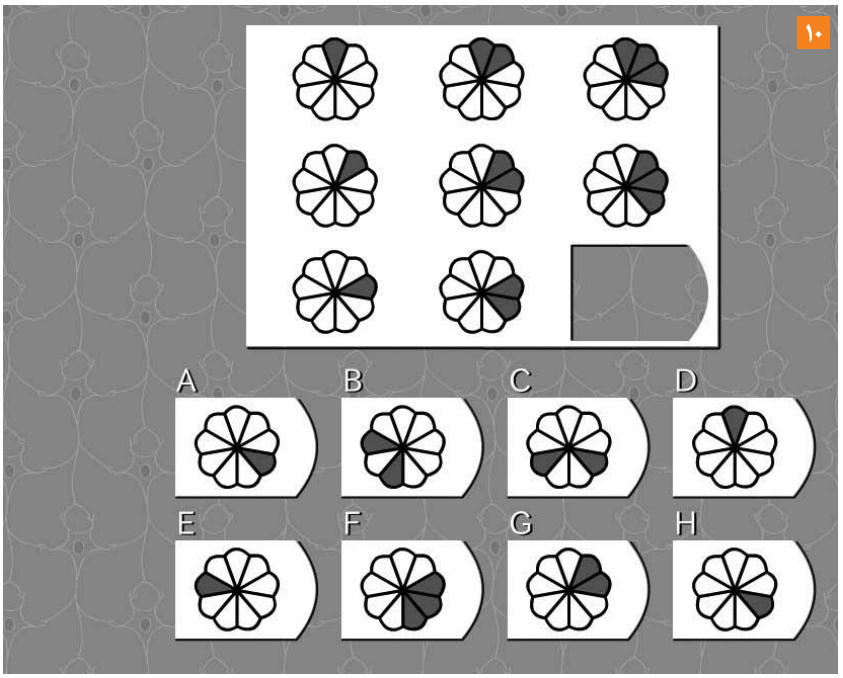
۸



۹



۱۰



پاسخ: ۱-H ۲-A ۳-B ۴-G ۵-B ۶-B ۷-H ۸-B ۹-E ۱۰-F



سردار خیبر
بازنویس: مهدی فراهانی
ناشر: معاونت امور مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری کمیتهٔ انتشارات کنگرهٔ بزرگداشت سرداران شهید استان تهران
چاپ اول: ۱۳۷۶

مریم حسین‌زاده دبیرکلاس پنجم مدرسه امام علی(ع)

گرما در گرما

ظهر تابستان بود و هوای جنوب گرم. دو کوهه زیر آفتاب می‌سوخت.

حاج همت همراه تعدادی از بچه‌های اطلاعات عملیات، از شناسایی برگشته بودند. شب قبل، نتوانسته بودند بخوابند و حالا خسته و کوفته از راه رسیده بودند. وقتی داخل اتاق شدند، هر کدام گوشه‌ای از حال رفتند. حاج همت گفت: «من نیم ساعت استراحت می‌کنم و بعد می‌روم.»

یکی از بچه‌ها، وقتی وضعیت او و همراهانش را دید، رفت دبیرخانه تا پنکهٔ آنها را برای مدتی قرض بگیرد. وقتی پنکه را آورد، حاج همت بلند شد و با ناراحتی گفت: «برای چه پنکه آوردید؟»

گفتم: «خب، هوا گرم است.»

گفت: «شما تا حالا چطور می‌گذراندید؟»

گفتم: «الان وضعیت فرق می‌کند. شما تازه از راه رسیده‌اید، خسته هستید.»

گفت: «نه، فرقی نمی‌کند. بسیجی‌های دیگر هم همین وضعیت را دارند.»

پنکه را رد کرد و گرفت خوابید.

گرمای دوکوهه نمی‌گذاشت کسی بخوابد. آدمی در حالت نشسته، مدام عرق می‌ریخت، چه برسد به اینکه بخوابد. یکی از بچه‌ها به حاج همت گفت: «حداقل یک پتو روی خودت بنداز، گرمای بدن ۳۷ درجه است و گرمای هوا ۴۵ درجه!»



سه ماه تعطیلی

ابراهیم از همان کودکی جدی و کوشا بود. اخلاق و رفتار کودکان را نداشت؛ به بازی‌های کودکانه علاقه‌ای نشان نمی‌داد و مانند بزرگ‌ترها رفتار می‌کرد. وقتی بچه‌ها برای بازی به دنبالش می‌آمدند، نمی‌رفت. می‌گفت باید به مادرم کمک کنم.

پس از پایان سال تحصیلی، سرکار می‌رفت. یک سال در ایام تابستان، گفتیم که این بچه نُه ماه درس خوانده و خسته است، بهتر است کمی هم تفریح کند. باغی در خارج از شهر داشتیم. تصمیم گرفتیم همگی چند روزی آنجا برویم. وقتی موضوع را با او در میان گذاشتیم، گفت: «من نمی‌آیم. کار دارم.»

بعدها فهمیدم که روزها می‌رود شاگردی. پرسیدم: «کجا می‌روی؟»

گفت: «توی یک مغازه کار می‌کنم.»

گفتم: «الان تابستان است و تو تازه دَرست تمام شده، خب برو با بچه‌ها بازی کن.»

گفت: «نه! نمی‌خواهم با اینها بروم؛ بچه‌های مؤدبی نیستند. دلم می‌خواهد کار کنم.»

گفتم: «آخر برای چه؟ مگر کم و کسری داری؟ زندگی‌ات که رو به راه است؛ پس برای چه می‌خواهی کار کنی؟»

گفت: «نمی‌گویم کم و کسری دارم. دلم نمی‌خواهد مثل بچه‌ها بروم بازی کنم. دوست دارم بروم شاگردی.»

پرسیدم: «حالا کجا کار می‌کنی؟»

گفت: «در یک مغازهٔ میوه‌فروشی.»

گفتم: «این همه کار هست، چرا رفتی مغازه میوه‌فروشی شاگردی می‌کنی؟ بیا برو دکان بزّازی که کارش هم تمیزتر است.»

گفت: «اینجا را چون کارش زیاد است، انتخاب کرده‌ام. بزّازی همه‌اش باید یک گوشه بنشینم و چرت بزنم، ولی اینجا کار هست، فعالیتش خیلی بیشتر است.»

به این ترتیب، هر سال در ایام تعطیلی مدارس، سرکار می‌رفت و در طول سال هم درس می‌خواند.

هیچ‌وقت حاضر نشد مانند سایر هم‌سن و سالان، به بازی و تفریح بگذراند. ترجیح می‌داد کارهای جدی و بزرگ انجام بدهد.